

شماره بیست و یکم

شماره
۲۹

۶
ریال

سال دوم



تأسیس کنگره سینمایی ایران، افتخارات ما را در سال گذشته تکمیل نمود

بدینال یک سال فعالیت مداوم هنری و فرهنگی بسی خستود و مباحی گشتیم که سال گذشته را با انجام درخشانترین عمل در تاریخ هنر سینما یعنی تشکیل کنگره سینمایی ایران بیابان رسانده و دو کتاب خدمات و زحمات شبانه روزی خود، فصل جدید و بی سابقه ای گشودیم.

اقدام بستگی این کنگره در تعقیب هدف و آرمان مقدسی که تشویق از صنعت جوان سینمای ایران و تقدیر از هنر-نمایانهای هنریشگان و ستارگان با استعداد و خوش قریحه این کشور باستانی بود صورت گرفت تا بدینوسیله ایرانی مستعد و ذریک نیز از کاروان تمدن و هنریشروی جهانی عقب نمانده و در محضر قضات و داوران این مؤسسه، فراورده هائی را عرضه کند که در شان این ملت کهنسال باشد.

مجله ستاره سینمایی مفتخر است که بکلیک و معاضدت قابل تقدیر نویسنده جوان و فاضل خود آقای سیامک پور زند توانست این قدم بزرگ را در راه عملی کردن آمال و آرزوهای دوستداران و علاقمندان قلمهای ایرانی برداشته و بهره این عمل خطیر را با موفقیت تام و تمامی نصیب خود و کارکنانش نماید.

اگر بخواهیم بگوئیم که در راه عملی کردن این ایده مقدس چه صدماتی را متحمل گشته و چه رنجهایی را بر خود هموار نموده ایم سخن بدرازا میکشد و این امر اصولاً یا هدف عالی و سوگندی که ما در بدو انتشار مجله مبنی بر خدمت بعالم هنر و اعتلاء مقام هنرمند کرده ایم ماینت دارد ولی ناگزیر از بیان این حقیقت هستیم که مابین گذار و مؤسس کنگره ای گشتیم که تا ایران و ایرانی در عرصه کیتی وجود داشته باشند حافظ و نگهبان هنرمندان این سرزمین و ضامن ترقی و تعالی آثار هنری آنها خواهد بود.

مبادرت بپیر قرادی فستیوال با شکوهی جهت نمایش فیلمهای ایرانی که تازه تهیه آنها پایان یافته و استودیوهای سازنده آن حتی حاضر نبودند یک کلمه راجع بآنها سخن بگویند و کوچکترین اطلاعی در دسترس خیرنگاران جراید بگذارند و بالاخره تهیه سالن نمایش و به-تیت رسانیدن این کنگره، کسب اجازه نمایش فیلمها از طرف وزارت کشور، دعوت از هنرمندان نامی و باسابقه و در مرحله آخر، تشکیل هیئت ژوری از میان

محبوبترین و هنرمندترین کسانی که وارد در جهان سینما بودند برای تعیین بهترین فیلمها محبوبترین ستارگان و هنریشگان و بالاخره زبده ترین تهیه کنندگان و کارگردانان و برجسته ترین اشخاصی که در تهیه یک فیلم شرکت داشتند، گوشه ای از اقدامات و فعالیتهای شبانه روزی این مجله بود که بحق می توان گفت قسمت اعظم این زحمات را دوست عزیز و همقلم محترممان آقای پور زند متحمل گشته و برای سر بلندی و اعتلاء نام مجله و هیئت تحریریه آن از بذل هیچگونه مساعدت و کمکی دریغ نکردند.

این عمل بی سابقه در تاریخ سینمای ایران میدان تحول شگرفی در صنعت فیلم برداری داخلی شد بطوریکه مدیران و صاحبان استودیو ها را بر آن داشت که دیگر در تهیه فیلم - م قصد تجارت را کنار گذاشته و بمعنای حقیقی مبادرت به تهیه فیلم نمایند. کنگره سینمایی ایران جنب و جوش عجیبی در محافل هنری بوجود آورد و سبب گردید که استودیوها معایب فیلمهای آماده بنمایش خود را مرتفع ساخته و محصول بهتری به هیئت داوران این کنگره عرضه بدارند لذا با درخواست همگی آنها جهت تمدید مدت برای شرکت در فستیوال فیلمهای ایرانی موافقت شد و تاریخ انعقاد مجدد این جشن و اعلام نتیجه این فستیوال باشکوه و عظیم بلاخره فروردین ماه موقوف گشت.

در خاتمه مدیریت مجله ستاره سینما و هیئت تحریریه از کلیه آقایان محترم و

ذوات معظمی که در راه تشکیل و انعقاد این کنگره و برگذاری این فستیوال با شکوه با مجله ستاره سینما همکاری نموده اند صمیمانه سپاسگزارای نموده و بویژه از همکار ارجمند خود آقای سیامک پور زند کمال تشکر و امتنان را داشته و از درگاه ایزد متعال مسئلت دارند که عسوم خدمتگزاران عالم هنر و فرهنگ را در انجام خدمت بعالم هنر، موفق و کاه یاب بدارد.



دارنده امتیاز و مدیر: پ. گالستیان
سر دبیر: امیر حسین فرهنگ
سال دوم - شماره ۲۹ - چهارشنبه ۲۳
فروردین ماه ۱۳۳۴
محل اداره: خیابان منوچهری پاساژ لعل
تک شماره ۶ ریال

عکس روی جلد
ایوان دو کارلو

شرکت سهامی چاپ کمر

همپایانگاری و تشکر

هیئت تحریریه و کلیه کارکنان مجله ستاره سینما مراتب امتنان و تشکر بی پایان خود را بحضور خوانندگان عزیز و کلیه هنرمندان و هنریشگان و مدیران استودیوها و نمایندگان فعال و محترم شهرستانها که با ارسال کارت تبریک سال جدید را تبریک گفته اند معروض داشته و موفقیت و شادکامی آنها را از صمیم قلب مسئلت دارند.

سر دبیر جدید ما

با کمال خوشوقتی با اطلاع خوانندگان عزیز میسرانیم که از این شماره سردبیری مجله بمهده آقای امیر حسین فرهنگ که از نویسندگان باذوق و خوش قریحه نشور و از پیشقدمان انتشار مجله سینمایی در ایران بوده اند محول گردیده است. امیدواریم با تشریک مساعی ایشان مجله ستاره سینما بیش از پیش بتواند در انجام تقاضاها و نظریات خوانندگان باذوق خود توفیق حاصل نماید.

هیئت تحریریه

فالگوش

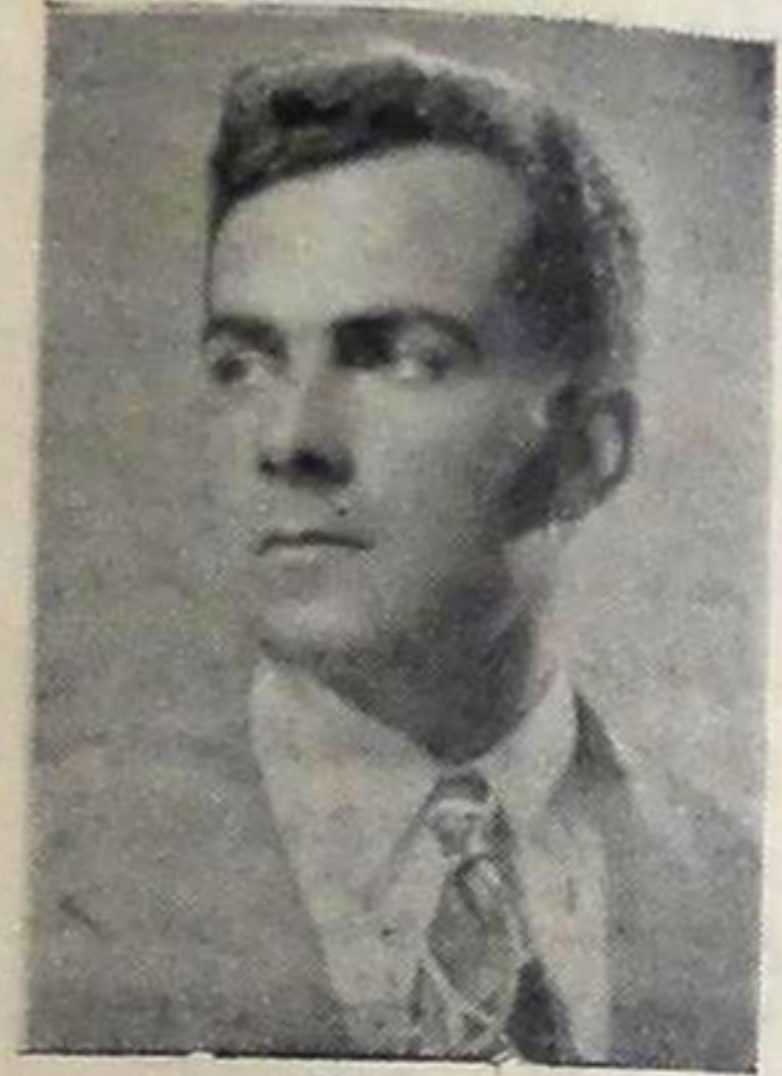
اخبار تازه‌ای در باره عوارض
چهل درصد

ماجرای عوارض چهل درصد
شهرداری که مدتی در بوته اجمال افتاده
بود دوباره مسئله روز استودیوها گردیده
است. آخرین اخبار در این باره حاکیست
پس از آنکه استودیوها از شهرداری
تهران ناامید شدند بیازرسی نخست‌وزیری
شکایت کردند و این بازرسی پس از
رسیدگی، گزارش کار خود را بدفتر نخست
وزیر ارسال نموده و اکنون تمام استودیوها
منتظر رسیدگی کامل باین موضوع و
تخفیف عوارض میباشند.

عطاءالله زاهد کارگردانی یک
فیلم فارسی را بعهده گرفته است

«بوسه مادر» نام فیلمیست که اخیراً
استودیوی عصر طلایی شروع به تهیه آن نموده
و مقداری از آنرا نیز برداشته است.
داستان این فیلم از روی نمایشنامه
«سیویل» که در تهران نمایش داده شده
اقتباس گردیده و «بوسه مادر» نام گرفته
است در این فیلم یک سری از هنرپیشگان
نامدار ایرانی بازی خواهند کرد که
بترتیب عبارتند از شهلا - مهدوی - دهبیم
سوسن - قدکچیان - کریمی و عده‌ای
دیگر... کارگردانی این فیلم را عطاءالله
زاهد بعهده دارد و «بوسه مادر» اولین
فیلمی خواهد بود که وی کارگردانی
خواهد کرد اما بطوریکه خوانندگان در
این عکس ملاحظه میفرمایند نه سوسن
شبهاتی ندارد و نه مهدوی شبهاتی به
بسر! و شاید این عکس مربوط به یک صحنه
عشقی این فیلم باشد که ما از آن اطلاعی نداریم

فیلم ایتالیا و شرکت زرینه متصدی دوبله
فیلمهای ایتالیایی بفارسی در گرفته که فیلم
«موسولینوی راهزن» وجه المصالحه آن
گردیده و جریان آن بدین قرار است که
قرارداده فروش فیلم «آنا» به نسبت ۵۰
درصد با استودیوی لوکس فیلم تقسیم
گردد اما پس از آنکه نماینده استودیوی
مزبور مدتی پیش بایران آمد حس کرد در
صورت حسابها دستبردکی پیدا شده بهمین
جهت بعد از اعتراض به «دم» مراجعت
نمود و گزارش کار خود را به استودیو
لوکس فیلم داد روی همین اصل «لوکس
فیلم» از صدور فیلم «موسولینوی راهزن»
با شرکت «سیلوانامنگانو» و «آمدنو
ناتزاری» که از مدتی پیش در ایتالیا
بفارسی برگردانده شده جلوگیری نمود
قرار بر این شد که شرکت مزبور حق
«لوکس فیلم» را در مورد فیلم «آنا»
بپردازد تا استودیوی مزبور با صدور فیلم
مزبور بایران موافقت نماید امیدواریم
که بزودی رفع اختلاف بعمل آمده و فیلم
مزبور که از هر نقطه نظر جالب میباشد
بایران وارد و در معرض تماشای علاقمندان
گذارد شود.



حسین دانشور

دانشور یک مسافرت مجهول
و هر روز میرود!

حسین دانشور هنرپیشه محبوب، روز
گذشته با اتفاق آقای شبان مدیر استودیو
کاروان فیلم بصوب ایتالیا رهسپار گردید
تا چند صباحی را در آندیار در جوار
مهرویان ایتالیایی بسر برد! دانشور که
اکنون قراردادی با استودیو کاروان فیلم
منعقد کرده تا یکماه دیگر برای بازی در
یکی از فیلمهای این استودیو بایران
مراجعت خواهد کرد و با احتمال یقین
مسافرت یک ماهه وی بایتالیا نیز مربوط
باین فیلمست اما مخبر کنجکا و ما با همه
زرنگیش نتوانست بفهمد که دانشور برای
چه امری به این مسافرت میرود و در مقابل
اصرار مخبر نیز مانند همیشه وی لبخند
معنی داری زده و گفت انشاءالله بعدها
متوجه خواهید شد! دانشور که با بازی
در فیلمهای «شرمسار» و «مستی عشق»
محبوبیت زیادی در ایران کسب نموده
تصمیم دارد با بازی در فیلم آینده‌اش که
بتوسط سامول خاچیکیان کارگردانی
میشود منتهای سعی و کوشش خود را بکار
برد و با سابقه‌ای که دانشور در این راه دارد
امید میرود که در این مورد موفقیت زیادی
کسب نموده و فیلم آینده‌اش در ردیف
بهترین فیلمهای سال محسوب گردد.

«فیلم سیلوانامنگانو» وجه
المصالحه اختلاف بین ایران و
ایتالیا شده است!

اخیراً اختلافی بین استودیو لوکس



«مهدوی» و «سوسن» در صحنه‌ای از فیلم «بوسه مادر»

اعلام خطر بہ صنعت فیلمبرداری ایران

امری بدیہی است کہ صنعت سینما در عصر حاضر یکی از مهمترین صنایعی است کہ منافع بیحد مالی در بردارد . بعلاوہ برای اینکہ آسانترین و مؤثرترین وسیلہ ترقی معلومات تربیتی - اجتماعی و اخلاقی عموم مردم بخصوص طبقہٴ بیسواد میباشد سرآمد سایر شعب صنعت - ہودہ و علت آن واضح است زیرا فیلم ، زبانی بین المللی است کہ فہم آن برای تمام طبقات مردم آسان است .

فیلم ، بہ گذشتہ و حال و آیندہ دست انداختہ اوراق فراموش شدہ تاریخ را زندہ و زبیبائی حقیقی طبیعت را جلوہ گر میسازد . گذشتہ از اینہا بمباحث مختلف جغرافیائی - صنعت - علوم - تربیت اجتماعی و اخلاقی ملل مختلف وارد میشود و در ضمن ، شوقی در مردم برای زندگی بہتر و عالیتری ایجاد مینماید . بازمہتر از ہمہ اینکہ فیلم یکی از بہترین و جدیدترین وسائل تفریح برای مردم مشرق زمین بخصوص ایران میباشد کہ وسائل تفریحی و تربیتی از قبیل اپرا - کنسرت - تماشاخانہٴ خوب - موزہ - نمایشگاہ - باغهای عمومی کنفرانسهای سخنرانی و غیرہ خیلی محدود است . بادر نظر گرفتن تمام این جنبہهای مهم فیلمبرداری ، کلیہ دول دنیا توجہ خاصی بہ صنعت فیلمبرداری ملی خود میدول نمودہ بہترین سعی خود را برای تقویت صنعت فیلمبرداری خویش اعمال مینمایند .

برای مثال

صنعت فیلمبرداری در آمریکا سومین صنعت عمدہ بشمار میرود کہ چند میلیارد دلار سرمایہ در آن بکار افتادہ و یکی از مهمترین عوامل درآمد از ممالک خارجی برای آمریکا میباشد .

انگلستان ، بیست سال پیش سیصد ہزار پوند سالیانہ نقص درآمد از صنعت فیلمبرداری ملی خود داشت و دولت سعی مینمود این تقیصہ را هر طوری شدہ برطرف نماید . روسیہ شوروی نظر بساعی فراوانی کہ در این راہ میدول داشتہ ترقی شایانی نمودہ است و سینماهای خود را از دو ہزار بہ پنج ہزار و محصول فیلمبرداری سالیانہ خود را از ۱۲۵ فیلم بہ ہزار ہا فیلم افزایش دادہ است . ہندوستان در ظرف ۱۶ سال سینماهای خود را از ۶۰۰ بہ ۱۲۰۰۰ و محصول فیلمبرداری سالیانہ خود را از ۱۲۰ فیلم بہ ہزار ہا ترقی دادہ

است . همچنین سایر ممالک غرب و شرق . جای تأسف است کہ ہیچ مملکتی تاکنون ۴۰ درصد عوارض از محصول فیلمبرداری داخلی خود نگرفته جز شہرداری ایران .

صنعت فیلمبرداری ایران

صنعت فیلمبرداری در ایران امروزہ مراحل ابتدائی را طی میکند و رو بہ ترقی است گرچہ ترقی آن نظر بہ کمی سرمایہ و معدود بودن متخصصین فیلمبرداری خصوصاً تکنیسینها و دستگاہها و لوازم خوب خیلی کند و سخت انجام میگردد . سرمایہٴ عمدہٴ شرکت های فیلمبرداری ایران در حال حاضر از پولہائی تشکیل میشود کہ بر بجز زیاد از سرمایہ داران قرض گرفته شدہ ؛ ہر شرکت فیلمبرداری برای بر آوردن مخارج خود مجبور است درآمد کافی داشته باشد تا بتواند خود را نگہداشتہ و فیلمهای بہتر و عالیتر تہیہ نماید بخصوص کہ در ظرف یکسال ، تمام استودیوہا باید بدستگاہهای جدید سینما - برای نمایش فیلمای سینما سکوپ مجهز شوند و گر نہ باخطر بستہ شدن مواجہ خواهند شد .

از ہمہ مهمتر اینکہ صنعت فیلمبرداری ملی ما باید طوری توسعہ یابد کہ بتواند فیلم نیز صادر کند و از اینراہ تا اندازہای جبران پولی کہ برای وارد نمودن فیلمهای خارجی از مملکت بیرون میرود بنماید کہ این خود نیز مسئلہ اقتصادی مهمی را برای دولت تشکیل میدہد .

مالیات دولت از سینماها

صنعت فیلمبرداری ایران میتواند سالیانہ حداکثر ۱۰۰ فیلم تہیہ کند کہ در صورت اخذ ۴ درصد عوارض ، چهار تا پنج میلیون ریال از اینراہ نصیب شہرداری میشود در حالیکہ اگر این مالیات بہ ۱۵ درصد تقلیل دادہ شود درآمد بر بوطہ برای دولت بہ بیش از یک و نیم تا دو میلیون ریال بالغ نخواہد شد . طبیعاً این اختلاف فاحش اهمیت زیادی در درآمد دولت خواہد داشت ولی نباید فراموش نمود کہ چنین مالیات گزافی ممکن است اثر فوق العادہ نامطلوبی در صنعت فیلمبرداری ملی ما کہ در مراحل ابتدائی است داشته باشد .

خطراتی کہ از اینراہ نصیب صنعت ملی ما خواہد شد

۱ - نداشتن درآمد کافی ممکن است شرکت های فیلمبرداری را مجبور بہ تعطیل نماید و چنانچہ چنین امری تحقق یساید بالغ بر ۵۰۰ نفر کہ از این صنعت بخصوص امرار معاش مینمایند و با تعداد خانوادہشان

تقریباً ۲۰۰۰ نفر میشوند بیکار خواهند شد . ۲ - مردم ما از دیدن فیلم های ایرانی کہ از زندگی خود آنها تہیہ شدہ و بہ احساسات و فہم آنها نزدیکتر است محروم خواہند شد .

۳ - تربیت اجتماعی و ارشاد طبقات عام از طریق فیلم های خودمان از بین خواہد رفت . ۴ - صدور فیلم های ایرانی برای معرفی تاریخ و جغرافی و زندگی کانی مردم ایران دیگر میسر نخواہد شد و نخواہیم توانست پولہائی را کہ برای خرید فیلمهای خارجی میدہیم از جای دیگر جبران نمایم . ۵ - با تعطیل شدن صنعت فیلمبرداری ملی ما میلیون ہا ریال پولی کہ صرف خرید و وارد نمودن اسباب های فیلمبرداری شدہ بدون استفادہ خواہد ماند و دستگاہها زنگ زدہ از کار خواہد افتاد .

پیشنها

اینجانب بادر نظر داشتن مسائل مهم فوق و خطراتی کہ از تعطیل شدن غم انگیز صنعت فیلمبرداری ملی ما پیدا خواہد شد بہ نمایندگان محترم مجلس پیشنہاد مینمایم کہ مسئلہ عوارض از فیلم را در اولین فرصت در دستور مجلس قرار دہند و تصمیم قطعی در این بارہ اتخاذ نمایند و صنعت فیلمبرداری ما را از خطر سقوط و انہدام نجات دہند کہ از جنبہ های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و داخلی فوق العادہ اهمیت دارد . بعقیدہٴ ناچیز بندہ ، تقلیل درآمد شہرداری بہ یک تا دو میلیون ریال سالیانہ را میتوان از راہهای دیگر جبران نمود ولی وظیفہٴ خطیر ، نجات دادن صنعت فیلمبرداری ملی ما میباشد کہ ہم اکنون با نداشتن عوارض عمدہ ، قدمهای سنگین و آہستہ ای بر میدارد . لذا اینجانب خواہشمندم پیشنہادیکہ از طرف استودیوہا و شرکت های فیلمبرداری تقدیم شہرداری شدہ مبنای تصمیم در این بارہ قرار گیرد بدینمعنی کہ (۱) از فیلمهای خارجی باید ۴۰ درصد مالیات گرفته شود (۲) از فیلمهای ایرانی حداکثر ۱۵ درصد (۳) تہیہ نمودن فیلمهای ۱۶ میلیمتری کہ صرفاً جنبہ تجارتمی دارد باید قدغن شود چون اینگونه فیلمها از طراز پائین ہودہ و بہ ارزش و حیثیت فیلمهای ما لطمہ وارد میآورد بخصوص کہ فیلمهای ۱۶ میلیمتری در هیچ کجا مورد قبول نیست و تنہا بمنظور تفریح خصوصاً و بعضی اوقات بمنظور تہیہٴ فیلمهای تربیتی و علمی (بقیہ در صفحہ ۲۳)

تازه ترین اخبار سینما



جوایز همدال طلای مجله فتوپلی
مجله معروف فتوپلی که یکی از مجلات پر تیراژی سینمایی آمریکا می باشد هر سال به آراء مردم مراجعه و معروفترین و محبوب ترین هنرپیشگان مرد و زن و بهترین فیلم سال را در شماره مخصوص سالیانه خود منتشر مینماید. امسال نیز مطابق معمول محبوبترین هنرپیشگان بترتیب زیر اعلام شدند:

محبوبترین ستاره سال (جون آلیسون) برای بازی در فیلمهای (داستان گلن میلر) محصول کمپانی یونیورسال- اینترنشنال و (هیئت عامله) محصول مترو و (دنیای زنان) محصول فوکس قرن بیستم، معرفی شد.
(ویلیام هولدن) نیز محبوبترین هنر پیشه مرد سال برای بازی در فیلمهای (هیئت عامله) و (سابرینا) محصول پارامونت و (دختر دهاتی) محصول همین کمپانی اعلام گردید. ویلیام هولدن اکنون شهرت بی نظیری پیدا کرده است و امسال نیز احتمال میرفت جایزه اسکار را برای دومین مرتبه دریافت نماید.

بهترین فیلم سال نیز (سوسه دل انگیز) محصول کمپانی یونیورسال- اینترنشنال معرفی شد. که (راک هودسن) و (جین وایمن) در آن شرکت داشتند. فیلم فوق را (راس هانت) تهیه و (دو کلاس سیرک) کارگردانی نموده بود. هنرمندترین هنرپیشگان سال



ویلیام هولدن محبوبترین هنرپیشه سال

نیز (گریس کلی) برای بازی در فیلمهای (بنجره عقبی) و (دختر دهاتی) و (کای مدیسون) برای بازی در فیلم (فرمان) محصول کمپانی برادران وارنر انتخاب شدند.

جوایز مختلفی نیز به (وان جانسون) برای دل دراماتیک او در فیلم (شورش در کشتی کین) و (آخرین باری که پاریس را دیدم) و (کمپانی پارامونت) برای اختراع طریقه (ویستاویژن) و به (اوتوپرمینگر) برای تهیه فیلم (کلارمن جوائز) تعلق گرفت.

جینالولو بریجیدا در یک فیلم

آمریکائی

«هارولد هجت» تهیه کننده معروف و شریک (برت لنکستر) اخیراً بایتالیا مسافرت کرده و در نظر دارد از (جینالولو بریجیدا) درخواست نماید که در مقابل (برت لنکستر) را در فیلم (بندباز) که بزودی تهیه آن در کمپانی یونایتد آرتیستس شروع خواهد شد قبول نماید. اتفاقاً در یک مجلس ضیافتی که از طرف کمپانی (لوکس فیلم) داده شده بود جینا و شوهرش (دکتر مایک) در ملاقات نمود و جینا درخواست او را قبول نموده و بزودی برای شرکت در این فیلم به آمریکا مسافرت خواهد کرد.

فیلمهایی که در ماه قبل رکورد

فروش را شکسته اند!

مجله (موشن پیکچر هرالد) که بطور هفتگی منتشر میشود در پایان هر ماه فیلم هایی را که از لحاظ فروش بر سایر فیلمها برتری داشته اند معرفی مینماید.
در آخرین شماره ای که توسط پست هوامی برای ما رسیده این فیلمها رتبه اول را حائز گشته اند:

- ۱- (در اعماق قلب من) مترو
- ۲- (نشان کافر) یونیورسال
- ۳- (هیچ کاری بهتر از نمایش نیست) فوکس
- ۴- (سه حلقه سیرک) پارامونت
- ۵- (بیست هزار فرسخ زیر دریا) والت دیسنی
- ۶- (ورا کروژ) یونایتد آرتیستس

فستیوال برلین

مطابق معمول هر سال در شهر برلین فستیوالی از فیلمهای کشورهای مختلف تشکیل میشود و بهترین فیلمها و تهیه

جون آلیسون محبوبترین ستاره سال کنندگان آنها جوایز مخصوصی اهدامی شود. امسال نیز بموجب خبری که به ما رسیده این فستیوال از تاریخ ۲۴ ماه ژوئن الی پنجم ژوئیه تشکیل میشود.

کشورهای آمریکا-فرانسه و ایتالیا و شوروی - آلمان و مکزیک و برخی دیگر از هم اکنون بهترین فیلمهای خود را برلین ارسال میدارند.

ریتا هیپورت نیز استودیوئی

تأسیس مینماید؟

چنانکه میدانید ریتا هیپورت ستاره زیبا و معروف بعد از اتمام فیلم (خانم تامپسون) دیگر در فیلمی شرکت نموده است. ولی بطوریکه مجله نیوزویک در آخرین شماره خود نوشته «ریتا» باتفاق شوهرش (دیگ هیس) در نظر دارد به تنهایی استودیویی تأسیس نماید و کمپانی یونایتد آرتیستس نیز تعهد کرده که فیلمهای ساخت کمپانی جدید تأسیس را بیازارهای دنیا صادر نماید. اولین فیلم این استودیو نیز (عشق و جنون) نام دارد که ریتا آنرا باتفاق شوهرش بازی خواهد کرد.

اورسن ولز در فیلم جدیدی

شرکت میکنند.

از چندین شماره قبل، روزنامه اطلاعات، داستانی بنام (آرکادین) بطور پاورقی چاپ مینماید که نویسنده آن «اورسن ولز» نابغه معروف میباشد. بطوریکه مجله (پیکچر گوئر) چاپ انگلستان نوشته اورسن ولز از روی داستان خودش سناریوی تهیه و خود در اول و کارگردانی فیلم را نیز بعهده گرفته و اکنون در اسپانیا مشغول فیلمبرداری آن میباشد.

چگونه میتوان نواقص فیلمهای فارسی را رفع کرد؟

برای مزید اطلاع خوانندگان که درباره این سلسله مقالات اطلاعاتی خواسته اند، متذکر میگردم که این سلسله در حقیقت «صفت آزاد» است و مجله مسئولیتی در قبال نوشته های آن بهمه نمیگیرد حتی در شماره قبل، آقای خاچیکیان قسمتی از حلات خود را متوجه مجله ستاره سینما نیز کرده بودند که البته از لحاظ آزاد بودن عقیده ما از چاپ آنها خودداری نکردیم و در آینده نیز باین روش ادامه خواهیم داد.

قسمت ششم

قبل از اینکه وارد مطلب شوم از خوانندگان معترمی که اینجانب را بواسطه نگارش سلسله مقالاتی که در شماره های قبلی مجله ستاره سینما چاپ رسیده کتبا یا شفاهاً تقدیر نموده و بواسطه صراحت در درج حقایق تبریک گفته اند تشکر مینمایم در ضمن عده ای باور نکرده و خواسته بودند اسم روزنامه ای که بنده را «خر» و «بی سواد» لقب داده بود افشاء نمایم! اینک صراحتاً بمرض آقایان میرسانم که اسم این روزنامه «یزدان» می باشد.

در شماره های قبل تذکر داده بودم که از جمله دستهایی که پیشرفت صنعت فیلم برداری ایران را را کند ساخته اند خود تهیه کنندگان، کارگردانان، هنریشگان، مقدمات سینمایی و غیره می باشند. یکی دیگر از عواملی که بشکست فیلمهای فارسی کمک کرده، سناریوهای بی سرت و سناریست های بی اطلاع میباشد. آنچه مسلم است هنوز هم در ایران سناریست واقعی نداریم و تهیه کنندگان و کارگردانان نیز زیاد باین موضوع اهمیت نمیدهند زیرا اغلب آنها هدف تجارتنی دارند نه هنری.

موضوع و سوژه فیلمهای فارسی بیشترشان بکنواخت و بهم شبیه هستند. همه آنها از بدبختی یک دختر یا سقوط یک پسر صحبت میکنند، اغلب دارای صحنه های زندان، دادگاه، قمار و کاباره می باشند و همه آنها بدون استثناء دارای صحنه های متعدد رقص و آواز میباشند. مرض آواز و رقص (بخصوص رقص عربی) بعدی در فیلمهای فارسی شیوع پیدا کرده که بعضی اوقات موضوع فیلم نیز

فدای آنها شده و با اگر صحنه های رقص و آواز از بعضی از فیلمهای فارسی کسر شود دیگر چیزی در ته فیلم باقی نخواهد ماند.

در فیلمهای خارجی (مخصوصاً فیلم های درام) رقص یا آواز موضعی مورد استفاده فیلم قرار میگیرد که خود داستان فیلم بآن ها احتیاج پیدا کند و این رقصها یا آوازه ها ولو آنکه خرج زیاد برداشته باشند برای آنکه رشته داستان فیلم کیسخته نشود گاهی اوقات حتی پنج ثانیه بیشتر روی پرده دوام نمی آورند در حالی که در فیلمهای فارسی موضوع را طوری درست میکنند که حتی رقص و آواز داشته باشد و بدین طریق بکدمه داستان فیلم قطع شده و تماشاچی ناظر صحنه های طولانی رقص و آواز میگردد که اصلاً ربطی بموضوع ندارد و علت همین است که سوژه های فیلم های فارسی همیشه نامربوط و نامفهوم و دارای سکت های ایدئولوژیک (Ideological concept) میباشد. در یکی از صحنه های فیلم (کلاب) موضعی که رقص دسته جمعی باوج هیجان رسیده بود دوربین بروی (تونی مارتین) برگشت که داشت ستاره فیلم را میوسید و صحنه باین نحو تمام شد. در حالی که در فیلم (عروس دجله) (خواجوی) ده دقیقه به (متین) اشاره کرد که از جا بلند شود ولی متین در روی پرده سینما، و بیچاره تماشاچی در سالن آفتد صبر کردند که رقص عربی و آواز (بروات) تمام شد؛ رقصها جای خود نشستند و آنگاه جعفر بر مکی بسوی جلاد رفت. همچنین بابت طویل المدت و رقص عربی در فیلم (دختری از شیراز) و مطرب بازی و آوازه های بی در پی صحنه عروسی (ماجرای زندگی) باعث قطع موضوع فیلمهای مذکور شدند و متأسفانه تمام فیلمهای فارسی در این افتضاحات با هم شریکند...

از اینها گذشته خود موضوع فیلم های فارسی همانطور که در بالا ذکر کردم بسیار بکنواخت و شبیه بهم و بنا بر این خسته کننده است. اغلب این موضوعها و متأسفانه بعضی از ابتکارات و مین آسن- های صحنه های فیلمهای بومی، اقتباسی است از فیلمهای خارجی. کلابجائی رسیده که حتی قسمتی از صحنه های فیلمهای فرنگی را «ملی» نموده و آنرا در فیلمهای خودمان کنجاند و به مردم غالب میکنیم برای نمونه صحنه سقوط اتومبیل از پرتگاه در

فیلم «چهره آهنگ» صحنه بازار شاهین طوس» و حمله سواره نظام و آتش توپخانه (آغامحمدخان قاجار) را می توان مثل زد. اصلاحی تا سفاک است که تهیه کنندگان و سناریست های «فیلمهای فارسی عوض اینکه بی سوژه های مختلف و تازه که در تاریخ گذشته و امروز ایران در هر گوشه اجتناع ما فراوان است بگردند سعی میکنند از خارجی ها کپی کنند یا از همه بگر اقتباس نموده فیلمهای شبیه بهم بسازند. این آقایان درست مثل بعضی از موسیقی دانان و آهنگسازان خودمان میباشد که عوض اینکه از منابع سرشار محلی و بومی ما استفاده نمایند تم های (THEME) عربی و فرنگی را در موزیک ایران مخلوط نموده و باعث شده اند که موسیقی فولکلوریک ایران بطور کلی رنگ و بوی خود را از دست بدهد...

ایران باستان، ایران دیررزو ایران امروز پر از هزاران افسانه ها و روایات و وقایع است و روی آنها می توان هزاران سناریو و داستان نوشت. حتی خیلی از نویسندگان و موزیسین های بزرگ خارجی از خاک و آفتاب این سرزمین الهام گرفته قطعات شیرین ساخته اند و حالا از ما خیلی بپید است که آثار خارجی را که اصولاً بطبع و روحیه ما نمیسازد اقتباس نموده ب مردم بقبولانیم.

بعقیده من فیلمهای فارسی باید کاملاً رنگ، روحیه و حاشیه ایرانی داشته باشد صنعت سینما توگرافی کشورهای که بطرز تفکر، مسلک و ترادیس بون ملی خود متوسل هستند همیشه جلو بوده است. علت پیشرفت و استقبال فیلمهای انگلیسی همانا انگلیسی بودن فیلمهای خود می باشد. برای فیلم های ایتالیائی نیز می توان همین را گفت ولی از موضعی که فیلمهای عربی، مراسم و فون خارجی را اقتباس کردند باشکستی رو برو شدند که هنوز هم جبران نشده. بگانه علت اینکه فیلمهای ژاپنی سال گذشته در فستیوال و نیز باخذ جایزه نائل گشتند این بود که محصولات آنها چه از نظر ایدئولوژی و سابقه لوژی و چه از نظر سبک و موزیک و بازی صدد در صد ژاپنی بود.

قبول میکنم که سطح هنری و تکنیک فیلمهای فارسی (از باب دیبای محصول خارجی رساندولی موافق بیستم که باید فیلمهایی برنگ فرنگی ساخت. (ناتمام)

«پییر آنجلی» ستاره درخشانی که بازیبائی و هنر

خود، هالیوود را تسخیر نمود

هالیوود شد و در شهر پر بهاموی هالیوود که هزاران دختر دلفریب و طناب برای شرکت در فیلم روز شادی میکنند قدم گذارد و بلا درنگ کیبانی معظم (مترو-گلدوین-مایر) مقدمش را گرامی داشت و با قرارداد طولی مدت استخدامش نمود و تا هم اکنون در این کیبانی مشغول کار است از فیلمهای خوب پییر آنجلی «صافه عشق» میباشد که کارخانه مترو آرانته کرده و همبازی او در این فیلم (استوارت گرینجر) هنریشه مشهور انگلیسی بود که سال گذشته سینما ایران آنرا به عرض

مزه این موفقیت بزیر دستان پییر رفت و دانست که آینده بکومی در انتظارش میباشد. در این هنگام کارگردان دیگری بنام (استوارت استرن) که مؤلف و تهیه کننده فیلم (ترزا) بود چون استعداد هنری (پییر) را در فیلم (فردا دیر است) دیده بود کتباً از او برای بازی در فیلم (ترزا) دعوت نمود و وی را در فیلم خویش شرکت داد. در این باره هم (پییر) بایر و زی فیلم دوم خود را خاتمه داد. پس از این ماجراها (پییر) آنجلی (هنریشه بنام معنای از آب در آمد ورشته هنر و صنعتی را که قبلا در پیش گرفته

در نوزده جون (۱۹۳۲) در جزیره (ساردینیا) واقع در کشور هنر پرورد ایتالیا دختری که بعداً (آناماریا پییر آنجلی) نامیده شد چند دقیقه بعد از خواهر دو-فلویش با برصه وجود گذارد و حال که بیست و سه سال از آن مقدمه میگردد وی یکی از ستارگان هنر مند سینما و محبوب ترین هنر پیشه کیبانی (مترو گلدوین مایر) بشمار میرود آناماریا پییر آنجلی چون اغلب ستارگان سینما نام خود را مختصر و به (پییر آنجلی) تبدیل نمود. مادر پییر سابقاً در تئاتر آمانور

بوده و علاقه وافری باین کار داشت و پس از فراغت از کاهای خانه سوی تانسر روانه میشد اما خود پییر چنین خیالی داشت که در این فن وارد شود و هدف اصایش تحصیل در یکی از رشته های علمی و صنعتی بود اما سر نوشت باعث گردید که «لیدنایدمو کای» کارگردان فرانسوی متوجه او شد و آینده درخشانی را برایش پیش بینی کرد زیرا استعداد ذاتی از چهره شفاف (پییر) نمایان بود. کارگردان مزبور که مشغول تهیه فیلمی بنام (فردا دیر است) بود تصمیم گرفت او را برای ایفای دل اول فیلم خود انتخاب کند. موکای روزی بملاقات پییر رفت و در طی گفتگو بوی پیشنهاد کرد دل نخست فیلم او را تقبل نماید. ولی پییر از این کار سر باز زد و مخالفت



نمایش گذاشت. بعد از این فیلم کیبانی مزبور دست به تهیه یک فیلم عالی و رنگی به سرخراج بنام (سامبرو) زده است که دل اول آن به عهده (پییر آنجلی) و کارگذار شده است. در این فیلم هنر پشته های معروفی از قبیل (ریکار دو موتالیان) (ایوان دو کارلو) و عده یاد دیگری شرکت دارند. این خود یک نشانه بارزی از موفقیت پییر آنجلی است که در این فیلم با وجود هنر پشته گان مشهور و محبوبی دل نخست را با موفقیت کرده اند.

کیبانی نامبرده دست به تبلیغات وسیع و دامنه داری برای فیلم (سامبرو) زد بطوری که این فیلم یکی از فیلمهای خوب سال ۱۹۵۲ از آب درآمد و بالاخره منجر بشهرت جهانی (پییر آنجلی) و مایه افتخار

کشور ایتالیا که تا کنون صدعا ستاره هنر مند جهان سینما عرضه داشت گردید.

از بین فیلمهای دیگری که «پییر-آنجلی» در آن شرکت جست می توان «داستان سه عشق» «ماسک شیطان» و «سافر فرمای» را نام برد.

خلاصه اینکه همه دوستان ایران سینما و ناظرین کیبانی مترو گلدوین مایر موفقیت بالائری برای این ستاره پیش بینی می کنند.

بود رها نمود. راست است که میگویند گاهی شهرت و موفقیت چنان سر زده به سراغ انسان می آید که شخص فرصت پذیر برای از آنرا ندارد زیرا این موضوع نیز برای ستاره هنر مند ایتالیائی بوقوع پیوست. پییر-آنجلی در حال این دخترک با استعداد دانست که او برای هنر پیشگی سینما ساخته شده و کشور ایتالیا را برای روح هنر مند خود کوچک تشغیم داد و در صدد مسافرت برآمد و برای پرورش استعداد هنری خویش و کسب شهرت جهانی جلای وطن کرده روانه

خود را بر از داشت، اما کارگردان نامبرده پس از ملاقاتهای پییر پی و پافشاری های فراوان توانست او را ارضی و در فیلم خود شرکتش دهد. پییر آنجلی برای اولین بار خود را در زندگی سینمایی یافت و فیلم (فردا دیر است) با شرکت هنر پیشگانی چون «وینور بودسیکا» و «لوئیز مکسول» را بسا موفقیت بی پایان رساند. این فیلم خاطره خوب و فراموش نشدنی برای وی بجای گذاشت و تا اندازه ای باعث کسب شهرت او شد.

رپورتاژ اولین فستیوال «گلریزان» فیلمهای فارسی بوسیله گنگره سینمایی ایران



جناب آقای دکتر اقبال در روز سوم فستیوال هنگام خروج از سالن

مقدمه: تشکیل فستیوالهای مختلف برای تعیین بهترین فیلم و هنرمندترین هنرپیشگان و سایر کسانی که در وجود آوردن فیلمی سهم و شریک میباشند یکی از اقدامات رایج و متداول کشورهای متمدن است چنانکه فستیوالهای فیلم «کان» و «ونیز» از مهمترین آنهاست و خوانندگان ارجمند زاین امر استحضار کامل دارند در کشور ایران نیز یکی دو فستیوال فیلم قبلاً ترتیب داده شده بود که معنی واقعی فستیوال را در بر نداشت و متأسفانه هیچ مقامی هم در صدد بر نیامده بود که فستیوالی برای تقدیر از زحمات و هنرنماییهای هنرمندان سینمای ایران تشکیل دهد در صورتی که ضرورت این امر بعد اکتفا احساس می گشت. خوشبختانه دوست همکار ما آقای سیامک پورزند پیشنهاد این اقدام را طرح و آنرا با اطلاع آقایان مدیران استودیوهارسانند که مورد استقبال اکثریت آنان قرار گرفت و در نتیجه با کمک و همکاریهای ذبقت هیئت تحریریه مجله بصورت عمل درآمد و گر چه موانع و اشکالات زیادی در راه اجرای این عمل منطقی و بجای از طرف دشمنان هنر، ایجاد و تراشیده شد لیکن چون این عمل خطیر برای اولین بار در کشور ما جامه عمل بخود پوشید مؤسس گنگره و هیئت تحریریه مجله ما را که بنیان گذار آن بودند بر آن داشت که در سالهای آینده نیز با توجه و محبت هنرمندان و هنردوستان ارجمند بیش از پیش کوشا گردند عیوب و نواقص کار را مرتفع نمایند و این عمل بزرگ و پر ارزش را که برای پیشرفت و بالابردن سطح هنر ملی و تشویق هنرمندان لازم و ضروری است تکمیل نموده و فستیوالهای فیلم را مانند کشورهای راقیه دنیا بصورت آبرومندانه و محترمانه ای بر گذار کنند.

اینک گزارش فستیوال

«گلریزان فیلمهای ایرانی» جشن در حضور جناب آقای دکتر منوچهر اقبال رئیس محترم دانشگاه و جمعی از آقایان سنا توره ها و وکلای مجلس شورای ملی و اعضای سفارتخانه ها و عده کثیری از روزنامه نگاران و هنرمندان و هنردوستان بر گذار شد و بدو آقای سیامک پورزند در جلوی حضار قرار گرفته و پس از عرض خیر مقدم گزارش فستیوال را بسمع حضار محترم رساندند.

خلاصه ای از نطق آقای سیامک پورزند

سروران عزیز و هنرمندان گرامی: از اینکه اظهار لطف فرموده و مجلس ما را بقدم خود مزین فرموده اید بیهیئت سپاسگزارم ما خدمتگزاران شما در همه جا و همه حال برای پیشرفت کار شما و بالنتیجه پیشرفت صنعت سینمای بومی خود خواهیم کوشید و با هر موانعی خواهیم جنگید و خارها را از سر راه خود بر خواهیم داشت دوستان عزیز، هنرمندان محترم، شما که امروز در این مکان جمع شده اید خوب می دانید عملی را که ما اکنون شروع کرده ایم در تاریخ سینمای ایران نظیر نداشته است و البته توجه باین نکته حضار محترم دارند که در اول هر کار عده ای از دشمنان دوست نامشغول تحریک و تخریب میشوند تا بلکه بتوانند با اعمال و افعال خود جلوی فعالیت ما را بگیرند ولی با تمام دسامی که بکار بردند و با تمام نسبتهای ناروایی که ما دادند ما از پای ننشستیم و به نیروی عشق و علاقه ای که وجود ما را میسوزاند موفق شدیم تا بدینجا و بدون فوت وقت آن را ادامه دهیم و برای تکمیل و رفع نواقص آن نیز از هیچ گونه فعالیتی دریغ نخواهیم کرد. در این فستیوال کلیه فیلمهای آماده بنمایش سال سی و سه بطور کامل و از فیلمهای گذشته هر کدام چند پرده نمایش داده خواهد شد و در آخرین روز فستیوال بیرنگان که عبارتند از دو هنرپیشه اول زن و دو هنرپیشه اول مرد، بهترین سناریست بهترین فیلم بردار، بهترین کارگردان و بالاخره بهترین فیلم، جوایزی اهدا خواهد شد ضمناً نا گفته نماند که برای تعیین این هنرمندان، استادانی را انتخاب نموده ایم که از هر جهت برای انجام این کار شایستگی دارند و نیز نا گفته نماند که هیئت ژوری طوری تعیین شده که هرگز

جای گله برای دوستان ما باقی نمیگذارد زیرا این استادان از جمله کسانی هستند که در هیچیک از فیلمهای ایرانی شریک و ذینفع نمیباشند و قضاوت ایشان بدون تردید مورد قبول عموم حضار محترم قرار خواهد گرفت. امیدوارم این خدمتی که بخاطر هنر هنرمندان هم وطن خود انجام میدهم مورد قبول و تأیید عموم واقع شود و اینک از جناب آقای تیمسار سپهبد جهانبانی که ریاست عالی و افتخاری این گنگره را دارا میباشند استدعا دارم که قبول زحمت فرموده و مجلس ما را افتتاح فرمایند (در این موقع جناب آقای تیمسار سپهبد جهانبانی در میان هلهله و کف زدن شدید حضار بجلوی سن تشریف آوردند) و چنین فرمودند:

هنر سینما بطور یقین کاملترین و بزرگترین هنر جهان شناخته می شود زیرا تمام مردم از دیدن و تماشا نمودن لذت می برند و این هنر سینماست که این لذت را بطور کامل و احسن بما می بخشد (و پس از ذکر چند جمله دیگر فرمودند) دنباله این بحث را بجناب آقای دکتر نامدار و اگذار میکنم و بعروض خود خاتمه میدهم. (جناب آقای دکتر مهدی نامدار در میان کف زدن شدید بجلوی سن تشریف آوردند).

خلاصه ای از نطق جناب آقای دکتر نامدار

باید برای پیشرفت صنعت سینما ما بپروردان از شما جوانان نیرو بگیریم و شما از تجربه ما بپروردان استفاده نموده بهره مند گردید و با نیرو و جدیت کامل در راه پیشرفت هنر سینما بکوشیم. ما باید بخواهیم تا بدست آوریم. باید بخواهیم که هنر ملی ما ترقی کند و بهیچوجه نباید دلسرد شویم زیرا با پشت کار و جدیت و کوشش دستجمعی میتوانیم فقر هنری خود خصوصاً در رشته سینما را از بین ببریم و ما مطمئناً با اجرای این عمل هر



هیئت ژوری لحظه ای قبل از شور



آقای دکتر خالتری هنگام تحریر نظر عمومی هیئت

این هیئت قضات مقرر میدارد که هر يك از استودیوها در صورت تمایل ممکن است مجدداً قضات را برای مشاهده فیلم خود دعوت کنند و همچنین استودیوهایی که در این مراسم شرکت نکرده اند ممکن است تا تاریخ پانزدهم فروردین رسماً شرکت خود را در این کلریزان اطلاع دهند و برای اینکه قضات نتیجه فعالیت ایشان را مشاهده کنند وقتی را تعیین نمایند. از تاریخ پانزدهم تا بیست و نه فروردین هیئت قضات بمطالعه و مشاهده این فیلمها خواهد پرداخت و در روز سیام فروردین جلسه ای تشکیل می دهد و پس از تبادل نظر رأی قطعی خود را اعلام خواهد داشت.

در این میان جمعی از دوستان آقای سیامک پورزند همدایای ایشان اهداء کردند که در میان این همدایا ساعت لوژینا از طرف جناب آقای دکتر اقبال جلب نظر میکرد. سپس آقای پورزند از قدردانی رفقای خود تشکر نمودند و گفتند: از اینکه کنگره نتوانست بنحو احسن برنامه خود را اجرا کند باعث تأسف ما شده و امیدواریم بكمك و لطف همه هنرمندان و هنر دوستانیکه به پیشرفت سینمای ایران علاقمند هستند دنباله فستیوال امسال و فستیوالهای سالهای بعد را با برومندی بر گذار کنیم و پس از ایشان آقای مجید محسنی هنرمند محبوب بجلوی جمعیت آمدند و از زحمات چند روزه آقای سیامک پورزند و هیئت تحریریه مجله تشکر نمودند و گفتند هرگز از کار خود دلبرد و افسرده نشوید و عملی را که در حال انجام آن هستید تا با آخر آنرا دنبال نمایید و مطمئن باشید که شما با انجام این عمل بزرگترین خدمت را به هنر ایران نموده اید و هنر دوستان ایران فخر و مباهات می نمایند که کسانی پیدا شده اند که بخاطر ترویج هنر ایشان، از هیچ چیز مضایقه ندارند من بنام «هنر پیشگان ایران» در مقابل اینهمه گذشت و فداکاری سر تعظیم فرود می آورم (بقیه در صفحه ۲۳)

۲- نمایش فیلم کامل چهارراه حوادث باشتراك - آرمان - ملك مطیعی، ویدا قهرمانی - مورین، کارک - مردان سامول خاچیکیان، تهیه شده در دیانا فیلم برنامه روز چهارم - ۲۵ و ۲۶ و ۲۳

۱- نمایش کامل فیلم مهتاب خونین باشتراك - بهشتی - تسلیمی - کیانی - واندنا، کارگردان سروری، تهیه شده در کاروان فیلم

۲- نمایش کامل فیلم پایان رنجها باشتراك - مهین دیهیم - آزاده - بهشتی زمانی، کارگردان رئیس فیروز، تهیه شده در ایران فیلم. و بدین ترتیب جشن چهار روزه فستیوال پایان یافت و نمایش فیلم (برای تو) بروزشنبه موكول شد.

برنامه روز پنجم - ۲۸ و ۲۹ و ۳۳

۱- چون فیلم (برای تو) بنا بر عللی نمایش داده نشد، فیلم آغامحمدخان قاجار باشتراك - نصرت الله محتشم - ژاله - متین، کارگردان نصرت اله محتشم، تهیه شده در پارس فیلم نمایش داده شد.

سپس هیئت ژوری که عبارت بودند از جنابان آقایان دکتر مهدی نامدار، دکتر خالتری، دکتر میمندی نژاد، گرمسیری دکتر قهاری، فریدون رهنما، ایرج ساویز - دکتر رضوی - دکتر شفایه مهندس سیحون - مهندس قیامی - هایك کاراکاش، در اطاق مخصوص خود وارد شدند و پس از لحظه ای آقای گرمسیری از جانب هیئت ژوری بجلوی جمعیت آمدند و چنین گفتند:

هیئت ژوری از زحماتی که متصدیان این فستیوال بخاطر تسریع هنر متحمل شده اند تشکر و سپاسگزاری می کند و نتیجه رأی قضات را اکنون آقای دکتر قهاری بسمع حضار محترم میرسانند. سپس آقای دکتر قهاری بجلوی تماشاچیان آمدند و ایشانهم پس از اظهار تشکر از جانب خود و هیئت ژوری صورت جلسه هیئت داوران را بدین شرح قرائت نمودند.

نظر عمومی هیئت

(هیئت قضات کلریزان فیلمهای ایرانی سال ۱۳۳۳) که از طرف کنگره سینمایی تشکیل شده بود پس از مشاهده فیلمهایی که از طرف استودیوها نمایش داده شد چنین تصمیم گرفت که چون برای اظهار نظر قطعی لازم است هیئت قضات با دقت بیشتری این فیلمها را ببینند و از بعضی فیلمها در این روزها فقط قسمتی نمایش داده شد که برای اظهار نظر کافی نیست و از طرف دیگر ممکن است بعضی استودیوها بسبب نداشتن وسیله یا علل دیگر موفق بشرکت در این کلریزان نشده باشند یا از چگونگی نمایش آن راضی نباشند بنا بر

چقدر که دشوار باشد قادر خواهیم بود. در خانمه از آقای سیامک پورزند و دوستان همکار ایشان که پیش قدم در این راه هستند قدردانی میکنم و امیدوارم این عمل برای سالهای آینده بدعت باشد و بدین ترتیب بتوانیم قدمهای مؤثری برای پیشرفت هنر سینمای خود برداریم.

سپس برنامه نمایش فیلمهای کنگره سینمایی بدین ترتیب شروع شد:

برنامه روز اول

۱- مشهدی عباد (باشتراك: تفکری موصومه خاکیار - علی تاپش) بکارگردانی صمد صباحتی تهیه شده در استودیو عصر طلایی. نمایش دو پرده

۲- بی پناه باشتراك: مهین دیهیم احمد فقهی - امیرفضلی - گرمسیری - کارگردان نوری حبیب، تهیه شده در استودیو پارس فیلم نمایش دو پرده

۳- دختر چوپان باشتراك: مجید محسنی - شهلا - معز دیوان فکری کارگردان معز دیوان فکری تهیه شده در استودیو عصر طلایی، نمایش دو پرده

۴- يك پرده از فیلم مهتاب خونین محصول کاروان فیلم.

برنامه روز دوم - ۲۳ و ۲۴ و ۳۳

۱- بازگشت: باشتراك: هایده، عقیلی - آرمان، کارگردان سامول خاچیکیان تهیه شده در دیانا فیلم، نمایش دو پرده

۲- ماجرای زندگی: باشتراك فرح پناهی - ژاله - محزون، کارگردان نصرت اله محتشم، تهیه شده در دیانا فیلم نمایش دو پرده

۳- میلیونر: باشتراك: تفکری - یاسمین هامازاسب - گرمسیری، کارگردان، امینی تهیه شده در پارس فیلم، نمایش دو پرده

۴- نمایش فیلم کامل آخرین شب باشتراك: دانشور - آزاده - بيك خان وویا، تهیه کننده مهندس بدیع در استودیو عقاب.

برنامه روز سوم - ۲۴ و ۲۵ و ۳۳

۱- دختری از شیراز باشتراك: فرح - آرمان - سیروس - مهین - ایرج دوستدار کارگردان سامول خاچیکیان، تهیه شده در دیانا فیلم، نمایش دو پرده



هیئت ژوری در حال شور

مختصری راجع به تاریخچه و تحولات سی ساله اخیر

کمپانی فیلمبرداری «پارامونت»

قبل از اینکه مطلب اصلی را شروع کنیم، ناچار از ذکر این مطلب هستیم که کمپانی «پارامونت» از بدو پیدایش صنعت سینما از لحاظ تهیه فیلمهای اجتماعی و هنری در درجه اول بوده و با وجود این که طبیعتاً تاجر مسلک است معیناً تا حد امکان فیلمهای اخلاقی و اجتماعی تهیه کرده و بر ای کسانی که از دیدن سوزدهای مکرر خسته شده اند، بسیار جالب و مورد پسند و علاقه همه مردم کشورهای جهان خواهد بود.

بعد از مدتی مدید، اولین محصول خود را که بزرگترین فیلم وسترن بشمار میرفت به بازارهای جهان بفرستد. این فیلم (کارهای سرپوشیده) نام داشت و در آن هنرپیشگان معروفی چون (ریچارد دیکس) و (آلن هیل) شرکت نموده بودند.

وضعیت داخلی استودیو

کمپانی (پارامونت) پهلوئی استودیوهای (آر. ک. او. رادبو) و (کلمبیا) قرار دارد. در محوطه کمپانی متجاوز از پنجاه و هشت ساختمان مختلف از قبیل دفتر، اطاقهای تعویض لباس، کتابخانه، ضبط صدا، سالنهای کوچک نمایش قرار دارد که از خارج بسیار خوش منظره و جالب است. در قسمت وسط استودیو یک میدان نسبتاً وسیع وجود دارد که در اطراف آن درختان سرسبز و گیاهان انبوه کاشته شده است علاوه بر این استودیو، یک مزرعه وسیع نیز در دره (سان فرناندو) توسط کمپانی (پارامونت) ساخته شده که صحنه های خنجر - ارجی فیلمهای کلابوی و پر حادثه در آنجا تهیه میگردد. در این مزرعه چند خط راه آهن، هواپیماهای کوچک شکاری، یک اصطبل بزرگ وجود دارد که مورد استفاده کارکنان استودیوی مزبور است. در استودیو (پارامونت) تعداد ۴۰۰ نفر از هنرپیشه و کارگر و غیره به کار مشغولند و فعلاً دارای ۱۱۰ اطاق متعدد برای قسمتهای مختلفه سینما میباشد.

سینمای ناطق

پس از اینکه اولین فیلم ناطق بنام (خواننده جاز) توسط کمپانی (وارنر) تهیه گردید، استودیو (پارامونت) با عجله به تهیه فیلمهای ناطق پرداخت و با شروع این نوع فیلمها، کمپانی مزبور فیلمهای موزیکال و جنایی، درامهای عمیق اجتماعی و کمدیهای ساده و بالاخره داستانهای عشقی تهیه نمود. بعضی از این فیلمها سرو صدای زیادی در آمریکا برآوردند، مثلاً فیلم (خانم می نیور) که توسط (ویلیام وایلر) تهیه شده بود با داشتن صحنه های با روح و موضوع ماهرانه هنری بعنوان یک شاهکار جهانی شناخته شد. فیلمهای با اهمیت دیگری مانند (دختر زارع) و (در آریزونا قدیم) و (زیگفیلد کبیر) و درامهای بزرگ اجتماعی چون (روبا کویک) و (شوق) در این کارخانه ساخته شد که هرگز از خاطر تماشاچیان قدیمی محو نخواهد گردید. (بلیه در صفحه ۲۳)

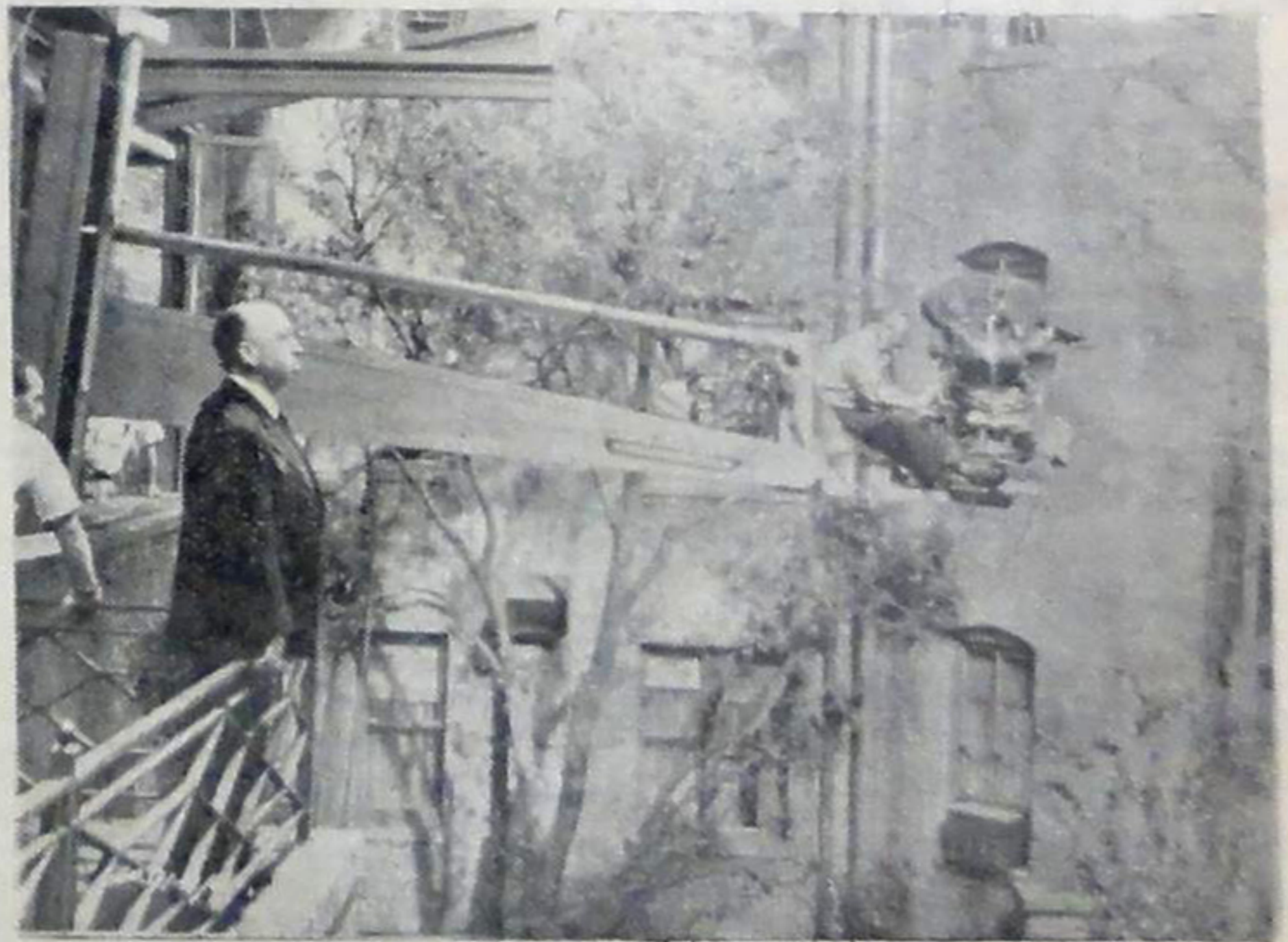
اطراف و اکناف هالیوود امروزی بنا گردید. صنعت سینما هر روز و بترقی بود و مرتباً تکامل مییافت و از اسواق و عیوب آن کاسته میشد تا اینکه (دیوید گریفیت) برای اولین باریکی از آثار مشهور خود را بنام «پیدایش یک ملت» وارد بازارهای آمریکا نمود و در همین زمان بود که (آدولف زوکور) تهیه کننده معروف با کمک (سیل. ب. دومیل) سناریست و کارگردان هنرمند در یک انبار آجود فروشی واقع در قسمت جنوبی هالیوود استودیویی بنا نمودند و بتیبه فیلمهای خبری و کومانترو غیره پرداختند.

کم کم کار ایندو تهیه کننده مشهور اهمیت زیادی یافت بطوری که آنها در عرض یک سال توانستند استودی خود را به محل جدید و بهتری منتقل سازند با این عمل بنای ابتدائی استودیو «پارامونت» توسط آنان ریخته شد. استودیوی مزبور در محل تقاطع دو خیابان «کاور استریت» و «ملروز آونیو» واقع گردیده و یک دیوار دوازده فوتی اطراف آن را احاطه کرده است. (زوکور) بزودی توانست با کمک (دومیل) امتیاز داستان فیلم «ملک الیزابت» را از یک تئاتر عمده پاریس خریداری نماید و بتیبه آن همت گمارد در سال ۱۹۲۴ کمپانی (پارامونت) توانست

تاریخچه استودیو «پارامونت» محتاج به نوشتن کتابهای دقیق و زیادی است ولی ما فقط بطور کلی اشاره ای به تاریخچه و پیدایش این کمپانی می نمایم و سعی میکنیم با ذکر نمونه فیلمهایی که سابقاً نمایش داده شده مراحل عمده تحولات سی ساله کمپانی «پارامونت» و خطوط برجسته و بارز آن تشریح و بیان گردد.

پیدایش استودیو

سینما در اوان کار، پیشرفت شایان توجهی نداشت زیرا اولاً نبودن وسائل فنی کافی و ثانیاً عدم استقبال مردم، توسعه صنعت سینما را غیر ممکن می نمود. پس از اینکه در سالهای اواخر قرن نوزدهم ماشین و دستگاههای فیلمبرداری کاملتر گردید کم کم علاقه مردم آن زمان نیز نسبت به این صنعت بیشتر شده و استودیوهایی در



بکارگردانی «آلفرد هیچکاک» فیلم «بنجره عقبی» در کمپانی پارامونت تهیه گردید.

«سامول خاچیکیان» کارگردان لایقی که

(چهارراه حوادث) را بوجود آورد

امیر حسین فرهنگ

ضامن بقاء و عظمت صنعت نو ظهور و جوان سینمای ایران کسانی هستند که مسئولیت تهیه فیلم بعهده آنها گذاشته شده و با ارشاد و راهنماییهای ایشان، محصولات بومی را یارای مقاومت در برابر فرآورده های خارجی پدید میگردند. این اشخاص که هنر سینما نام کارگردان روی ایشان گذارده است خالق اصلی و بوجود آورنده فیلم بوده و دوسوم موفقیت هر فیلم بسته به میزان استعداد و لیاقتی است که در این عده وجود داشته و رهبر آنها در خلق یک فیلم پردازش و جالب میگردد. متأسفانه همانطور که انحراف از اصول مسلم اخلاقی بر اثر فقر و سایر آلودگیهای اجتماع در این عده ای از افراد ملت ملاحظه گشته تجاوز و اهانت بمقام شامخ هنر سینما نیز بآن درجه رسیده که بدون در



نظر گرفتن هیچیک از مقررات و اصول هنری اشخاصی پیدا میشوند که با اصطلاح عوام، نخواانده ملا شده و بی آنکه دوره مخصوصی را طی کرده یا رموز و دقایق کار را فرا گرفته باشند با اسم کارگردان و رئیسور تهیه فیلم مشغول میشوند و نتیجه این میشود که نوارهای متحرکی که با اسم «فیلم» بدست این اشخاص تهیه میگردد در هنگام نمایش بقسمی حس انزجار و تنفر تماشاچی را متحرک میکند که ممکن است پس از چندی بکلی صنعت سینمای ما مضمحل و نابود گردد. خوشبختانه از آنجا که ملت قدر شناس و هنر پرور ایران حساب بی- هنران لافزن را از هنرمندان واقعی جداانگه- میدارد در مورد سینما نیز بدینوسیله در پرتو حمایت و پشتیبانی خود، نوابغ و هنرمندان بزرگی را میپروراند که به نیروی معلومات و کاردانی خویش بتوانند از اضحلال صنعت سینمای ما جلوگیری نموده

و آثار نفیسی به پیشگاه هنر دوستان عرضه بدارند. «سامول خاچیکیان» که قبلاً کار- گردانی فیلمهای فارسی «بازگشت» و «دختری از شیراز» را بعهده داشت و اکنون «چهارراه حوادث» را که نیز از ساخته های اوست نشان میدهند، از جمله شخصیتهای برجسته هنری و نخستین کارگردان عالیقدر ایرانیست که با فیلم جدید خود خدمت قابل توجهی به هنر سینمای ایران کرده است. چهارراه حوادث نمونه زنده ای از استعداد و کاردانی این مرد بوده و بیقین مبداء تحول تازه ای در امر صنعت فیلمبرداری ایران خواهد گردید. انتخاب سناریوی آموزنده و قوی، موزیک مهیج، دکوپاژ و مونتاژ عالی و صحیح، و مهمتر از همه انتخاب هنر- پیشگان تازه کار و تربیت دقیق آنها و بالاخره منعکس نمودن معایب و مفاسد اجتماع امروزی ما بروی پرده سینماشبه ای از اصول کار «سامول» است و اگر صاحبان

استودیوها و خداوندان ریال بگذارند که او بی وجود مزاحم و بدون دخالتهای بیجا بکارش مشغول شود آینه درخشانی برای این مرد و آینده تابناکی برای سینمای ایران میتواند پیش بینی نمود. «چهارراه- حوادث» با وجود آنکه اثر نفیس و بدیعی در عالم سینمای ایران بود ولی مورد پسند خودکار گردانش واقع نشد زیرا بقدری او را در زحمت و فشار گذاشته بودند که بگفته خود نتوانست آنچه که میخواست بروی پرده بیاورد. خوب بیاد دارم در جشن فستیوال فیلمهای ایرانی که از طرف کنسرتو سینمایی ایران بر قرار گردیده بود و همچنین روزی که فیلم مزبور را بدعوت ناصر ملک مطیعی برای دانشجویان دانشکده افسری نشان میدادند و سالن سینما دیانا پر از تراپرا احساسات شدید تماشاچیان، بلرزه در آمده بود، این مرد هنرمند

بدون اینکه اندکی بخود بیاید، بفکر این بود که منظورش بعدا کمال عملی شده و «چهارراه حوادث» آن فیلمی نبود که او میخواست پیشگاه ملت ایران عرضه بدارد. از اینجهت هنگامی که از طرف مقامات مختلف، دسته گلها و جوایز گوناگونی باو اهداء میگشت از ته قلب ناراضی بود و میگفت این فیلم، آن فیلمی نبود که میبایستی تهیه کرده باشم. استقبال کم نظیر اهالی پایتخت از این اثر نو ظهور نشان داد که ملت فهیم ایران از زحمات شبانه روزی هنرمندان کشور خود بهترین وجهی تقدیر میکنند و بزرگترین مشوق آنها در راه خدمت بعالم هنر واقع میگردد. اینجانب و هموم نویسندگان مجله ستاره سینما از صمیم قلب موفقیت آقای «سامول خاچیکیان» را در ادامه خدمت سینمای ایران از درگاه ایزدمتمال مسئلت داشته و انتظار داریم با تهیه فیلمهای آموزنده و مؤثر خود در آینده بتوانند سرمشق هموم تهیه کنندگان فیلم قرار گیرند.

حقایقی که برای اولین بار فاش میشود خاطرات یکساله من در استودیوهای ایران

بقلم: خبر نگار مخصوص ما

(۲)

و «اوا کاردنر» میدانند و سعی می کنند از نقطه نظر ظاهر از هر جهت مثلا آرایش خود را بشکل یکی از اینها در آورند. خوب بخاطر داوم مدتی بدنبال یک هنر - پیشه زن برای عکس او دویدم و او چندین بار عکس خود را تجدید کرد ولی عاقبت عکسی که بدرد منجمله بخورد نتوانست بمن ارائه دهد و چون تحقیق کردم معلوم شد که این خانم در آرایش از «ریتا هیورت» تقلید می کند و یک سری از عکسهای او را در اختیار عکاس مربوطه گذارده بود تا عکس شبیه باین ستاره از وی بردارد. کسی نیست از این خانم محترم بپرسد «ریتا هیورت» یک هنر پیشه آمریکائیست و بهتر نیست که بجای تقلید از زست ها و

خود باید در هر موردی استفاده مورد لزوم را از آنها بنمایند و آنکس این حرف در صورتی می تواند قابل قبول باشد که ما هنر پیشه سینما داشته باشیم و الا در شرائط فعلی هنر پیشه هائی که سابقه تئاتر دارند تا اندازه ای بهتر از آنهایی که این سابقه را نیز ندارند و در طی یک (اتفاق) هنر پیشه شده اند بازی میکنند. صحبت از ذوق هنر پیشگان ایرانی بود. این ذوق بیشتر در نتیجه حس خودخواهی و تقلید از فیلمها و هنر پیشگان خارجی بوجود آمده بطوری که در حال حاضر هنر پیشه های زن سینمای ایران خود را همبایه «ریتا هیورت» و «سیلوانا منگانو» و «اپنگر بدبرگمن»



آرمان

هنر پیشه تآثر و سینما

در این شماره می خواهم خاطرات یک ساله خود را در استودیوهای در مورد هنر پیشگان تا آنجائی که امکان دارد برای خوانندگان تشریح نمایم. اصولا در ایران باشخاصی که بروی پرده سینما بعنوان «هنر پیشه» رلهای مختلفی را ایفاء میکنند نمی توان لفظ هنر پیشه را اطلاق کرد زیرا همانطور که گفتیم در ایران مرکزی برای تربیت هنر پیشه وجود نداشته و ندارد و کلیه هنر پیشگان ایرانی فقط دارای ذوق می باشند و شاید هم استعدادی داشته باشند ولی این استعداد تا کنون بمنصه ظهور نرسیده و یا بعبارت دیگر کسی نبوده که آنها پرورش دهد. در این یکسال چه در استودیوها و چه در روزنامه ها و محافل دیگر صحبت از این بود که هنر پیشه تئاتر بدرد سینما نمی خورد و هنر پیشگان تئاتری حق ندارند لقب هنر پیشه سینما را بخود اطلاق نمایند ولی باید دانست که تئاتر و بازی در آن اولین پایه و شرط برای یک هنر پیشه سینما است. بدلیل آنکه در تمام کشورهای متمدنی هنر پیشه های درجه اول سینما از تئاتر بسینما راه یافته اند و یا در حال حاضر زمانی در سینما و زمانی در تئاتر بازی می کنند و در این مورد کارگردانان و تهیه کنندگان هستند که با فکر و ذوق



فرح پناهی در سال گذشته محبوبترین هنر پیشه ایرانی بود



آزاده

حرکات وی کمی بخودبیردازد و با مطالعه و تمرین کمی مایه هنری که بدرد او بخورد تنبیه نماید هنرپیشه های مرد نیز دست کمی از بقیه ندارند و خودشان را همبایه «رابرت تیلور»، «کاری کوپر»، «گریگوری پک» میدانند و فکرمی کنند که محبوبیت یک هنر پیشه داشتن چشم و ابروی مشکلی یا قامتی زیبا و یا بالاخره بازوانی ستبر می باشد در صورتی که این آقایان کاملاً در اشتباهند محبوبیت یک هنرپیشه خوب تابع میزان هنرمندی اوست نه قامت زیبا و هیکل ورزیده او. یکی از این آقایان را میشناسم بهرمحفل و اجتماع و یا بهر یک از استودیو هائی که وارد میشود خود را بدلیل داشتن «شخصیتی» فوق العاده، از دیگران کنار میکشد، با کسی حرف نمیزند و حتی بسختی سلام شما جواب می دهد در صورتی که اگر او واقعاً هنرمند باشد باید خود را متعلق با اجتماع بداند زیرا مردم هستند که او را بدین پایه رسانیده اند نه صاحب استودیو که فیلم را فقط بخاطر پر کردن جیب خود و یا منظور های دیگری تهیه می کند.

انتخاب هنرپیشه!

استودیوها زمانی که بخواهند فیلمی تهیه نمایند بدنبال یکسری از این آقایان و خانمها میفرستند و آنها را احضار می کنند و بهمة آنها قول دل اول رامیدهند تا بدینوسیله استفاده های نامشروع و یا اتفاقاً مشروع از این عمل بنمایند و بیشتر نظر آنها اینست که با انداختن تفرقه بین آنها و ایجاد رقابت، با میزان کثرتی آنها را استخدام نمایند. البته در این میان آنهایی که برای خود شخصیت قائل هستند

زیر بار صاحبان استودیو ها میروند و ای باید دانست که تعداد آنها فوق العاده محدود است و بقیه حاضر بقبول هر نوع پیشنهاد و کاری می باشند و نتیجه این میشود که فیلم های فارسی روز بروز بقیه بر میگردد زیرا هنگامی که قرار شود دلی را بیک هنرپیشه واگذار نمود باید قبل از هر چیز «کارا کتر» وی را با هنرپیشه مورد نظر سنجید و ملاحظه کرد که آیا وی میتواند دل مورد نظر را بازی کند یا نه؟ و در غیر اینصورت با شرط این که هر کس بول کثرتی گرفت دل متعلق با او است فیلم سرداشته شده آتش شله قلمکاری خواهد بود که بطورتناوب مشاهده می کنیم در همه کشورها رسم است که با هنرپیشه قرارداد منعقد می کنند تا وی در اختیار استودیوی مربوطه باشد و البته حقوق مکفی با او خواهند داد که بتواند زندگی روزمره خود را با آن اداره نماید و در مواقعی که کار فیلمبرداری ندارد به مطالعه و تمرین در زیر نظر استادان مربوطه بپردازد ولی در ایران فقط برای یک فیلم قرارداد می بندند آنهم «قسطی» که بجز قسط اول، بقیه قسطها را بعد از نمایش فیلم و در صورت کار کردن و بول در آوردن آن بتدریج خواهند پرداخت و حالاً ما خیال می کنیم که یک هنرپیشه ایرانی برای یک فیلم چه اندازه حقوق میگیرد؟ «فرح پناهی» که در حال حاضر کسی نمی تواند منکر محبوبیت و شهرت زیاد وی گردد بعنوان دریاقت کننده بیشترین «حق» الزحمة، برای بازی در فیلم «ماجرای زندگی» مبلغ ۳۵۰۰۰ ریال دریافت کرده و در مقابل مدت یکسال و نیم کار کرده است.



مهدوی



زمانی

بقیه هنرپیشگان، مقدار کثرتی را تا بحال دریافت کرده اند ولی نکته جالبی که تاکنون علت آن برحقیر مجهول مانده اینست که اکثر این هنرپیشگان، با استودیوی مربوطه دو قرارداد یکی ظاهری و دیگری مضفی منعقد مینمایند بدین ترتیب که در قرارداد ظاهری نوشته میشود فلان مبلغ در مقابل بازی در فیلم... به آقسای... پرداخته میشود، در صورتی که در قرارداد حقیقی مبلغ خیلی کثرتی ذکر شده و بهرپیشه پرداخته میشود ولی در مقابل این هنرپیشگان، دسته دیگری هستند که بطوردرایگان و با تشبیه بزازان وسیله در فیلمها شرکت می کنند فقط بخاطر اینکه مورد نظر خاله قزی و یا عه تزی خود قرار گیرند و یا اینکه عده زیادتری آنها را بشناسند و بازار کارشان بخاطر «هنرپیشه» شدن و بازی در فیلم گرمتر شود! اگر شما زمانی به استودیوها رفت و آمد نمائید در بعضی از مواقع چیزهایی خواهید دید که ممکن است برای شما غیر قابل باور باشد. بعضی از زنها و دخترهای معصوم را خواهید دید که از روی ذوق و علاقه باین مراکز روی می آورند و زمانی بعد با یکدنیا ناامیدی و تحسر این محل ها را ترک مینمایند و در بعضی از مواقع صاحبان استودیوها زن هایی را در فیلمها شرکت میدهند که من حتی هرم دارم نام آنها را ببرم و بگویم در خارج استودیو بچه کاری مشغولند و همین امر باعث میشود اولاً اگر زنان و مردان مقیدی باشند که علاقه و بسا استعدادی داشته باشند، بخاطر این اعمال و برای اینکه در مقابل مردم بیک چوب رانده نشوند از فیلمهای فارسی گریزانند

ماجرای اوسکار
جایزه اوسکار در سال
۱۹۲۷ هنگامیکه برای
اولین بار بصورت جایزه
ای که مظهر هنر باشد بنیاد
آمد اسمی نداشت و این
مصادف با سال تأسیس آکادمی
علوم و صنایع سینمایی بود
و تا چندین سال هم بهمین
ترتیب بی نام ماند و از آن
فقط بنام «مجلس» یاد آوری
میشد. فکر ایجاد و اهداء
این مجسمه در اولین جلسه
هیئت رئیسه آکادمی بوجود
آمد «سدريك کيوتز» که
اکنون از اعضاء عامه
کمیانی (مترو گلدوین مایر)
است وقتی عقاید مختلفی را
در هیئت رئیسه آکادمی
مبنی بر اینکه باید به
برندگان، جوایزی اهداء



«مارلون براندو» بهترین هنرپیشه سال نامیده شد

شود شنید اظهار داشت که این جایزه
باید بصورت پیکری که مظهر قابلیت و
شخصیت هنری باشد مجسم شود تا دریافت
کننده از ارائه آن مقتضی و از دریافت
این جایزه در خود احساس غرور بنماید.
«کيوتز» در موقع صحبت طرخی از يك
هیکل رسم کرده به آکادمی ارائه داد و این
اولین عکس مجسمه اوسکار بود. هیئت عامه
آکادمی این طرح را پسندیدند و برای این
که مرحله اجرا و عمل در بیاید آن را
برای «جورج استانی» در لوس آنجلس
فرستادند که در نتیجه کار او مجسمه ای
بوجود آمد که اکنون شهرت عالم گیر دارد.
پیکر طلائی با زهم بی نام بود تا یکروز
که خانم «مارگریت هرلیک» منشی هیئت
عامه کنونی آکادمی در حالی که بی اختیار
باین مجسمه می نگریست اظهار داشت:
این مجسمه مرا بیاد «هو اوسکار» می
اندازد ولی در همین موقع مخبر یکی از
روزنامه ها که در آن نزدیکی نشسته و با
نظری کنجکاو باین منظره نگاه میکرد
فردا در روزنامه اش این سطر دیده میشد:
«کارمندان هیئت عامه با علاقمندی و
صمیمیت، مجسمه مشهورشان را (اوسکار)
نامیدند» و از آنروز به بعد این نام بروی
مجسمه ماند. این مجسمه ۱۰ اینچ طول
و ۷ پوند وزن دارد؛ داخل آن از برونز
ساخته شده و بروی آن روکشی از طلا
ساخته اند و در حدود یکصد دلار ارزش
دارد.

کاندیدهای امسال

معمولا قبل از اینکه جوایز اوسکار

اهداء شود مجلات سینمایی و محافل مختلف
هنری در این باره حدسهای میزنند و فیلم
ها و هنرپیشگانی را کاندید دریافت این
جایزه مینمایند که برای اطلاع خوانندگان
قبل از اینکه برندگان را معرفی نمایم
این کاندیدها را نام میبریم. بهترین هنرپیشگان
مردی که کاندید شده بودند: همفری بوکارت
(شورش در کشتی کین) مارلون براندو (در
بارانداز) بینک کرازی (دختر دهاتی)
جیمز میسون (ستاره ای که بوجود میآید)
دان اوهرلیهی (سرگذشت رابینسون -
کروزو) و از میان هنرپیشگان زن، دوروتی
داندریج برای بازی در فیلم (کارمن جونز)
جودی کارلند (ستاره ای که بوجود میآید)
اودری هپبورن (سابرینا) کریس کلی (دختر
دهاتی) جین وایمن (سوسه دل انگیز)
کاندید بودند. بهترین فیلمهایی نیز که
امسال مورد بحث محافل هنری بود عبارت
بودند از: شورش در کشتی کین (کلمبیا)
- دختردهاتی (پارامونت) - دربارانداز
(کلمبیا) - هفت هروس برای هفت برادر
(مترو) - سه سکه در چشمه (فوکس) - و در
میان کارگردانان نام «جرج سیتون» برای
کارگردانی فیلم (دختر دهاتی) - ویلیام
ولمن (قادرو توانا) - الیا کازان (در
بارانداز) - آلفرد هیچکاک (پنجره عقیبی) -
بیلی وایلدر (سابرینا) بیش از همه برده
می شد.

شکست تکنیک های جدید

از سال ۱۹۵۲ که تکنیکهای جدید
از قبیل «سینما سکوپ» «سه بعدی»

برندگان جوایز
WINNERS OF 1954

«مارلون براندو» و «گریس کلی»

موفقت عجیب و غیر
«ویستاویژن» بوجود آمد سر و صدای
زیادی در اطراف شکست تکنیک فیام -
های معمولی بلند گردید ولی نتیجه آراء
سال گذشته و امسال آکادمی نشان داد که
این حدس تا چه اندازه غلط بوده است
زیرا برخلاف پیش بینی در طی دو سال اخیر
دو فیلم سیاه و سفید که با دوربین های
معمولی برداشته شده توانست گوی سبقت
را بریاید و ثابت کند که فیلم خوب
بستگی بزوق و برق زیاد و تکنیک جدید
ندارد و بدین طریق یکبار دیگر تکنیک
های جدید شکست خورد.

بهترین هنرپیشگان زن و مرد

از میان هنرپیشگان مردی که امسال
کاندید شده بودند «مارلون براندو» به
خاطر بازی در فیلم «در بارانداز» که
داستان آنرا در شماره های گذشته مجله
ترجمه کرده ایم، بعنوان بهترین هنرپیشه
مرد سال بدریافت جایزه اوسکار نائل شد
«مارلون براندو» بیش از چهار سال نیست
که در فیلمها بازی میکند و از وی فقط
فیلم «اتوبوسی بنام هوس» که دومین فیلم
وی محسوب میشود در ایران نمایش داده
شده است. «مارلون براندو» اکنون یکی



رابرت استیگر - اوامری سنت -
ای از فیلم «در بارانداز» که

مسکاک سال ۱۹۵۴ ACADEMY AWARDS

بین هنر پیشگان سال شناخته شدند
فیلم «در بار انداز»

جایزه اوسکار را دریافت کند «گریس کلی» نیز بیش از سه سال نیست که وارد هالیوود شده و اولین فیلم او «وسط ظهر» نام دارد که در مقابل (کاری کوپر) نقش کوچکی را ایفاء میکند ولی سال گذشته موفقیت های زیادی در سینما کسب کرد و شهرت زیادی بدست آورد و روی همین اصل دل اول داد فیلم «دختردهاتی» که قبلا قرار بود «جنیفر جونز» بازی نماید بوی واگذار کردند. جوایز درجه دوم اوسکار را «ادموند او براین» بواسطه ایفاء نقش یک خبرنگار در فیلم (کنتس-پابرهنه) و (اواماری سنت) برای بازی در فیلم (در بار انداز) دریافت نمودند.

بهترین فیلم سال

فیلم «در بار انداز» محصول کمپانی کلمبیا که بوسیله «سپیگل» تهیه شده توانست رتبه اول را در میان کلیه فیلمهای سال ۱۹۵۴ بدست بیاورد و مجموعاً این فیلم هشت جایزه اوسکار بدست آورد که در تاریخ ۲۷ ساله آکادمی تقریباً سابقه است زیرا بجز «مارلون براندو» و «اواماری سنت» الیا کاژان کارگردان این فیلم بعنوان بهترین کارگردان جایزه

اوسکار را دریافت نمود اوسکارهای دیگر این فیلم را هم (بادشولبرک) برای (سناریو و داستان) (پوریس کوفمان) (چاپ و ظهور) (جن میلفورد) (ونتاژ) و (ریچاردی) (مدیر تهیه) این فیلم دریافت نمودند.

جوایز دیگر
فیلم ژاپنی (دروازه جهنم) بعنوان بهترین فیلم خارجی



براندو - کارل مالدن در صحنه فیلم سال معرفی گردید

ستاره سینما

و با سابقه بازی در فیلمها ندارد بطوری که بعضی از هنرپیشگان بعد از سالها بازی در فیلمها ممکن است این جایزه را دریافت نمایند که بهترین نمونه آن اوسکار گرفتن «همفری و کارتن» در سال ۱۹۵۲ بود و بعضی دیگر نیز فقط برای بازی در اولین فیلم خود این جایزه را دریافت می نمایند که از میان آنها می توان از «جنیفر جونز» «اودری هپبورن» «شرلی بوت» را نامبرد. هنر - تشنگانی که تاکنون موفق شده اند این جایزه را دو مرتبه دریافت نمایند عبارتند از «جان کینور» «اسینس تراسی» «بت دیویس» «الیویا و هاویلند»



«گریس کلی» نیز بهترین ستاره سال شناخته شد

سال معرفی گردید و جایزه دریافت نمود کارخانه «پارامونت» نیز بواسطه اختراع و ابداع طریقه «ویستاویژن» بزرگترین جایزه تکنیک را گرفت. «دانی کی» هم بواسطه بازی در یک فیلم تبلیغاتی نیم ساعته که طرز توزیع شیر را در ممالک آسیا نشان میدهد جایزه مخصوصی دریافت نمود.

ارزش اوسکار

همانطور که گفتیم جایزه اوسکار بیش از صد دلار ارزش ندارد ولی هیچ وقت ارزش این جایزه مورد نظر نیست بلکه فقط افتخار و اهمیتی است که هنر - پیشه دریافت کننده نصیبش می گردد در اوائل کار یعنی در بدو تأسیس آکادمی علوم و صنایع سینمایی این جایزه چندان اهمیتی نداشت و مراسم آن خیلی ساده انجام میگرفت ولی بتدریج در طی ۲۷ سال گذشته شهرت و اهمیت زیادی کسب کرد تا سال ۱۹۳۶ فقط بهترین پیشگان درجه اول و کارگردانان و فیلمبرداران جوایز اوسکار داده میشد ولی از آن سال بعد جوایزی نیز برای هنر پیشگان درجه دوم که بازی آنها جالب توجه تر از بقیه بود در نظر گرفته شد. اولین مرتبه جوایز اوسکار در ماه مارچ ۱۹۲۸ توزیع گردید و «امیل یانینکس» و «جان کینور» موفق به دریافت این جایزه گردیدند و اسی نکته جالب توجه اینست که تاکنون هیچکدام از هنر پیشگان موفق نشده اند این جایزه را برای سه نوبت دریافت کنند. از طرف دیگر دریافت این جایزه بستگی بشهرت

مراسم باشکوه

از آنجائی که علاقه مردم امریکاروز بروز نسبت به برندگان این جوایز زیاد تر میشود امسال این جوایز هنگامی که در تئاتر «پانتیج» توزیع میگردد به وسیله دو ایستگاه تلویزیون که در هالیوود و نیویورک قرار داشت در سراسر آمریکا پخش گردید و میلیونها نفر از مردم این کشور توانستند این مراسم را برای العین ببینند. ریاست افتخاری جشن با «باب هوب» بود که در طی مراسم توزیع این جوایز که ۹۰ دقیقه طول کشید حضار را سرگرم نمود.

در ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر برندگان جوایز اعلام گردید و مطابق رسم آکادمی برندگان سال قبل یعنی «ویلیام هولدن» و «اودری هپبورن» اوسکارهای «مارلون براندو» و «گریس کلی» را دادند.

در خانه این دو هنرپیشه بتقاضای عکاسان و بنحاطر علاقه مندانشان در حالی که از ذوق می خندیدند حاضر شدند یکدیگر را در مقابل ۱۶۰۰ نفر اعضاء حاضر در جلسه بیوسند

FRED ZINNEMANN

فرد زینمان

کارگردان هنرمندی که شاهکارهای فنا ناپذیری بجهان سینما عرضه داشته است



در سال ۱۹۳۰ در جشن باشکوهی که هر ساله در شهر زیبای «هالیوود» بر پا می گردد تمام کمپانی های فیلمبرداری آمریکا شرکت داشتند و بهترین فیلمهای سال را که بتوسط هنرمندترین هنرپیشگان بازی شده بود عرضه نموده بودند.

این فستیوال و جشن عظیم مأموریت داشت که بهترین فیلمها و هنرپیشگان سال را معرفی نماید و جوایز معروف اوسکار را به آنان اهداء کند. بعد از آنکه فیلمها به ترتیب نمایش داده شد و برای اعلام گردید معلوم شد که قضات با اتفاق آراء، فیلم «در جبهه غرب خبری نیست» را بعنوان عالی ترین و بهترین محصول سال معرفی کرده اند. این موضوع فوق العاده باعث تعجب حضار گردید زیرا اولین فیلمی بود که فرد زینمان کارگردان تازه کار جهان سینما تهیه نموده بود و بدین ترتیب (فرد زینمان) موفق شد جایزه اوسکار را بدست آورد.

(فرد زینمان) در کودکی آرزوی جز این نداشت که روزی بتواند در ردیف کارگردانان مشهور آمریکایی قرار گیرد. این آرزو روز بروز در او تقویت میشد، اما (فرد) تقریباً ناامید بود زیرا والدینش با این موضوع مخالفت می کردند ولی (فرد) خردسال هیچوقت از بسا نشست و در نایشانی که در مدرسه شان بسر می برد همیشه جزو کارگردانان نمایش محسوب می گردید.

بعد از چندین پدرش تغییر مأموریت یافت و (فرد) و خانواده اش به «مکزیک» رفتند و (فرد زینمان) تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را شروع نمود. (فرد) از کودکی نسبت بفن نجاری علاقه فراوانی از خود نشان میداد و بدین جهت یازده ساله بود که بساختن يك صندلی کوچک پرداخت، پدر و مادرش همیشه بدومی گفتند که انجام چنین کاری برای کودکی بسن تو خیلی عجیب است ولی (فرد زینمان) باین حرفها و قعی نیبگذاشت و کار خود را ادامه میداد و بارها اتفاق می افتاد که دوستان و والدینش ساعتها اطراف او می نشستند و بدون جزئی کمکی او را میبگریستند.

(فرد) بالاخره بعد از مدتها تحمل مشقت و رنج صندلی خود را بیایسان رسانید و هنگامی که روی آن نشست، صندلی شکست و او را مأیوس نمود. پدرش موقعی که خبر این حادثه مضحک را شنید از جدیت و پشتکار فرزندش و از اینکه بالاخره او

در کار خود موفق شده خشنود گردید و به عنوان پاداش و تشویق يك صندلی کوچک و زیبا برای او خریداری نمود. بعد از این واقعه (فرد زینمان) از رشته نجاری «ا» دلسرد گردیده و بسبب تحصیل و کسب معلومات و مشاهده فیلمهای سینما نسبت بشغل هنر-پیشگی و کارگردانی فیلمها یکنوع علاقه مخصوصی در خود احساس می کرد و اتفاقاً پدرش هم که در ابتدا مخالف بود با این فکر پسرش هم عقیده گردید و او را برای فرا گرفتن این فنون بکلاس مربوطه فرستاد. (فرد زینمان) در طی دورانی که در کلاس مزبور بود در قسمت های مختلفه سینما ترقیات فراوانی نمود.

بعد از اتمام دوره کلاس مربوطه برای اولین بار با کمک یکی از تهیه کنندگان فیلمهای آمریکایی فیلم مکزیک «عاصیان آلوارادو» را تهیه نمود و این فیلم دکومانتر یکی از محصولات زینمانه آن کشور شناخته شد. این فیلم برای فرد محبوبیتی کسب نمود زیرا اوسمت کمک کارگردان را داشت بدین جهت مکزیک را به عزم آمریکا ترك نمود و بزودی توانست در ردیف کارگردانان معروف قرار گیرد و اولین فیلم کامل خود «در جبهه غرب خبری نیست» را تهیه نمود، این فیلم همان طور که ذکر شد در سال ۱۹۳۰ عالیترین محصول سال شناخته شد و جایزه اوسکار به (فرد زینمان) تعلق گرفت.

سومین اثر مهم او «چشمهادرشب» نام داشت و این فیلم بعد از «در جبهه غرب خبری نیست» کامل ترین فیلمی بود که او تهیه کرده است (فرد زینمان) هنوز فیلم «چشمهادرشب» را بیایان نرسانده بود که او را برای تهیه فیلم «صلیب هفتم» در نظر

گرفتند. (فرد زینمان) در تهیه فیلم (صلیب هفتم) چنان غوغائی کرد که تقریباً تا آنروز سابقه نداشت و شهرت او چنان بالا گرفت که کمپانی «مترو کلدوین مایر» که از مدت های پیش در جستجوی کارگردانی برای فیلم تازه خود موسوم به «جستجو» بود دست نیاز بطرف کمپانی «کلمبیا» دراز کرد و (فرد زینمان) را برای کارگردانی فیلم جدید خود بقرض گرفت.

(فرد) پس از فسخ قراردادش با کمپانی «کلمبیا» در صدد تهیه فیلمی بنام «ترزا» برآمد و بدینال ستاره ای می گشت که بتواند در «ترزا» را ایفاء نماید و بعد از تحمل هزاران مشقت و زحمت «بی بر آنجلی» ستاره جوان ایتالیائی را برای نقش مورد نظرش انتخاب کرد (فرد زینمان) پس از اتمام فیلم ترزا قرارداد طویل المدتی با کمپانی (یونایتد آرتیستس) منعقد نمود و فیلمهای «وسط ظهر» با شرکت «گاری کوپر» و (مردان) با شرکت (مارلون براندو) را در آنجا کارگردانی نمود.

سال قبل با تهیه فیلم اجتماعی (از اینجا به ابدیت) برای دومین بار موفق باخذ جایزه اوسکار گردید و نام او در ردیف بزرگترین و معروفترین کارگردانان جهان قرار گرفت. از فیلمهای جدید (فرد زینمان) باید فیلم تمام رنگی (او کلاهما) را نامبرد که در فیلم اخیر «کوردون مگری» و «گلوریا گراهام» عهده دار نقشهای نخست آن هستند.

حسین انتصاب

با کمال شادمانی انتصاب جناب آقای مهندس علی پناهی را که از خدمتگزاران صدیق و لایق کشور هستند بمعاونت کل اداره تبلیغات صمیمانه تبریک عرض نموده توفیق و کامیابی ایشان و همه خادمین وطن را در خدمتگزارای مسئلت مینماید.

سیامک پورزند

بشارت بدو ممتازاران

کتاب نفیس

بنگاه مطبوعاتی گوتمبرک که همیشه عالیترین آثار نویسندگان بزرگ جهان را انتشار داده و در دسترس علاقمندان میگذارد اکنون نیز انتشار سه اثر نفیس موسوم به «آناکارینا»، «تاراس بولبا» و «یادداشت های فیلم مارشال رومل» را بعلاقمندان بشارت میدهد.

نشانی: خیابان منوچهری

بنگاه مطبوعاتی گوتمبرک

بزودی روی پرده سینمای جهان

فیلمی بنام (مردی از تگزاس) تهیه کرده و بطوریکه در آگهی های خود متذکر میشود بهترین فیلم وسترن سال کمپانی بشمار میرود. در این فیلم جان بین هنرپیشه معروف دل کلاقتراپالت تگزاس را بعهده دارد. مونافرین و (لی-ج-کوب) نیز در این فیلم شرکت دارند. این فیلم برخلاف تمام فیلم های وسترن بطور رنگی و با سینماسکوپ تهیه شده است.

•• فیلمبرداری فیلم «بابا پادراز» که کمپانی فوکس آنرا بطریقه سینما سکوپ و تمام رنگی تهیه میکند، بیابان رسید. کارگردان فیلم «ژان نگولسکو» کارگردان فیلم معروف «جانی بلیندا» میباشد که با شرکت هنریشگانی چون «فرد آستر» و «رقاصه مشهور فرانسوی «لسلی کارون» و «تری مور» فیلم فوق رانیه کرده است.

•• کمپانی فوکس قرن بیستم هیتی به مکزیک فرستاده است تا فیلمی بنام «نره یک» که از ماجرا های مردم مکزیک اقتباس شده در آن کشور تهیه نماید «مورین اوهارا» و «آنتونی کوئین» رلهای اول فیلم را بعهده دارند ضمناً «لولا آلبرایت» نیز در این فیلم شرکت دارد. کمپانی فوکس فیلم فوق را بطریقه سینما سکوپ و «ایستمن کار» که نوعی رنگ آمیزی جدید است تهیه مینماید.

مقابل بت دیویس را بعهده خواهد گرفت فیلمبرداری این فیلم در ماه آوریل سال جاری شروع خواهد شد.

•• یکی از مشهورترین فیلمهای آینده بطوریکه از حال سروصدای زیادی درباره آن پیدا شده فیلم تمام رنگی و سینما-سکوپ (یک شیتی باشکوه) خواهد بود که توسط کمپانی فوکس قرن بیستم تهیه میشود جنیفر جونز و ویلیام هولدن دو هنرمند عالم سینما در مقابل یکدیگر در این فیلم ظاهر میشوند و بطوریکه منقدین مجلات مختلف سینمایی حدس میزنند این فیلم یکی از فیلمهای درام عشقی سال خواهد شد و جایزه اوسکار نیز مسلماً با آن تعلق خواهد گرفت.



ریتا گام

•• (آتش جادو) نام یک فیلم تمام رنگی کمپانی ریپابلیک میباشد که اخیراً نمایش آن غوغای بیانوده است. کمپانی ریپابلیک که اخیراً دست تهیه فیلمهای عالی زده است این فیلم را نمونه فیلمهای آینده خود معرفی نموده است. در این فیلم هنرپیشگانی چون (ایوان دو کالو) و (کارلوس تامپسون) و (ریتا گام) شرکت دارند ضمناً (والنتینا کورتزا) ستاره زیبای ایتالیایی که (مرد سرگردان) او را در تهران دیده ایم نیز در این فیلم هنر نمایی مینماید.

•• کمپانی ریپابلیک که بیشتر فیلم های قهرمانی و وسترن تهیه میکند اخیراً



تونی کرتیس

•• (تونی کرتیس) اخیراً بعنوان یک هنرپیشه که در سال پیش از سایر هنرپیشگان در فیلمها شرکت مینماید شناخته شده است زیرا بجز در تمام فیلمی در فیلم دیگری ظاهر می شود و اخیراً نیز در فیلم (سالهای بیخبری) با تفاق «کلن میلر» و (آرتور کندی) شرکت کرده است. کارگردان این فیلم (رودولف ماته) میباشد که آنرا از نوع تکنیکال در کمپانی یونیورسال اینترنشنال تهیه مینماید.

•• یکی از فیلمهای خوب کمپانی فوکس قرن بیستم فیلم تمام رنگی و سینما-سکوپ (مردی که بپتر نامیده میشود) می باشد که موفقیت زیادی پیدا کرده است کتاب فوق که نوشته کاترین مارشال نویسنده مشهور امریکایی است جزو کتابهای پر فروش آمریکا شده است. در این فیلم هنرپیشگانی چون ریچارد تود و جین بیترز شرکت دارند و کارگردان آن هنری کاستر ریچرڈ مشهور و کارگردان فیلم (دزیره) میباشد. این فیلم بطریقه دولو کس رنگ آمیزی شده است.

•• بت دیویس هنرمند نامی دوباره بعد از چند سال از طرف کمپانی فوکس دعوت شده است تا در فیلم (سروالترالی) در دل ملکه الیزابت شرکت نماید. بت دیویس با وجودیکه اکنون پیر شده ولی طرفداران زیادی دارد و کمپانی فوکس کسی دیگر را شایسته تر از او برای ایفای دل ملکه الیزابت پیدا نکرد در این فیلم ریچارد بار تون هنرپیشه مشهور امریکایی در



مورین اوهارا

(ر-ا)

تاریخ سینمای آمریکا

(۲)

در شماره گذشته یکی از دوستان ماقامت اول این کتاب را برای خوانندگان عزیز ترجمه نمود ، اما بعلمت اینکه فعالیت تازه ای برای ایشان پیش آمده بود ، نتوانستند آنرا ادامه دهند لذا ما بقیه این کتاب جالب را برای شما ترجمه میکنیم .

در سال ۱۹۰۵ هجری استودیو دو فیلم دیگر بنام (رکبازها) و (نجیبزاده دزد) تهیه نمود . طول این فیلم ۳۵۰ متر بود . در سال ۱۹۰۶ محل استودیو را تغییر دادند و (موریس کاستلو) و (فلورانس ترنر) و (مابل نورماند) را استخدام نمودند که در فیلمهای جدیدشان بازی کنند .

در این وقت (جان بانای) ، هنرمند کمدی مشهور که قبلا در استودیوی (ویتاگراف) استخدام شده بود بنا (فلورانس) مشغول تهیه فیلمهای کمدی جدید بود . و بانمایش فیلم (ماشین نویس جدید) در سال ۱۹۱۰ شهرت او را بیش از حد زیاد نمود . در این زمان (هوگی ماک) که بعلمت چاقی زیادش در فیلمهای کمدی شرکت میکرد مشهور شده بود و تقریباً رقیب سرسختی برای (بانای) محسوب می گشت چه او میخواست تنها کمدین سینمای آن عصر باشد !

(ادوین نانورز) تهیه کننده فیلم (رمزد و هزار دلار) هنگامی که با هنر-پیشه گان خود برای تهیه فیلم به صحرا رفته بود ، صبح هنگام که از خواب بزمیخاست همه صحرا و د کورهای اسپانیایی خود را پوشیده از برف دید . هنگامیکه هنرپیشگان میخواستند بطرف منزل خود حرکت کنند ، آقای کارگردان فریاد زد : «نه ! نروید ! ما در همین جا فیلمی که موضوع آن در صحرای سیرری اتفاق افتاده باشد تهیه میکنیم !» . و دوروز بعد این فیلم تمام شد . قسمی که همان سناریوی اسپانیولی را قدری تغییر داده و فیلمی روسی بوجود آورده بودند .

از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۶ همه تهیه کنندگان فیلمها بر روی بامها کار میکردند و از آن جمله بر روی بام (گران ساترال پالاس) بود که در سال ۱۸۹۸ فیلم معروف (شرح شکنجه و مصائب مسیح) (ع) بوسیله Eaves Hollaman تهیه شد .

استودیوی (بیوگراف اند موتوسکوپ) برای اولین بار از نور مصنوعی استفاده نمود و این نور هنگام مسابقه بوکس مورد استفاده قرار گرفت و دو بیست لامپ در تمام جریان مسابقه بازکنان را غرق در نور کرده

بود . یکی از اولین فیلمهایی که بوسیله (۱- پروتر) در استودیوی «ادیسون» تهیه شده بود (زندگی یک کارگر آتش-نشانی) نام داشت و مدت نمایش آن شش دقیقه بود . در سال ۱۹۰۳ (پروتر) دو ستاره جدید استخدام نمود که عبارت بودند از (جرج بارنز و فرانک هاناوی) و بعد (ماکس اندرسن) باین دو نفر افزوده شد . اما بعدها بعلمت عدم توافق به شیکاگو رفت .

در اوایل سال ۱۹۰۸ بود که اندرسن از شیکاگو به کالیفرنیا آمد و در این جا بود که فعالیت خستگی ناپذیر سینمایی خود را با سری فیلمهای (برونکو بیل) آغاز نمود شماره این فیلمها سیصد و هفتاد و شش بود . این فیلمها هر هفته یکی تهیه میشد .

بعدها یعنی در سال ۱۹۱۴ (آندرسن) چارلی چاپلین را با خود همکار کرد .

در سپتامبر ۱۹۰۱ رئیس جم-ور آمریکا (Mc Kinley) دارفانی را وداع گفت و فیلمهای تشییع جنازه و تدفین او که شروع فیلمهای (آکتو آلیته) است مردم را بدیدن این نوع فیلمها راغب ساخت .

اماد دیگر تجدید نگردید . استودیوی (بیوگراف) جای خود را بغیبابان چهارده انتقال داد و نام رسمی و ثبتی (میتوسکوپ اند بیوگراف) پرودا (کشنز) را اختیار نمود . این استودیوها بعدها لقب (کهوارة محصولات سینمایی آمریکا) را گرفت و بهترین و هنرمندترین هنرپیشه ها و سناریست ها و تهیه کنندگان نیمه اول قرن بیستم از اینجا بیرون آمدند .

در سال ۱۹۰۷ (دیوید هارسل) در (بابون) استودیوی درست کرد و در سال ۱۹۰۸ رسماً شروع بکار نمود . این استودیوها که بعدها با اشخاص دیگری شرکت نمود نام (Kalem) را اختیار کرد . این استودیو اولین سری فیلمهای (وسترن) را تهیه نمود .

(جرج ملفورد - روبرت ویگنولا) دو تهیه کننده بزرگ و عالیقدر از همین استودیو بیرون آمده اند .

در اوایل سال (۱۹۰۸) اداره

کنندگان (کالم) فیلم جدیدی از (Ben-Hur) تهیه نمودند و در او اسطه همان سال استودیوی دیگری در فلوریدا بنا گذاشتند که فیلم (عشق در اورگاید) از محصولات آنجاست (آلیس جویس) نیز یکی از ستارگان این استودیو بود . در سال ۱۹۱۱ «کالم» استودیوی دیگری در کالیفرنیا تأسیس نمود .

(سیندی اوکلوت) و (جین گاونیتر) که در عین حال هنرپیشه و سناریست بودند بطرف مشرق حرکت کردند تا فیلمهای جدیدی تهیه نمایند و مشهورترین این فیلمها (از آخور تا صلیب) بود که در فلسطین تهیه شده بود .

در سال (۱۹۱۵) استودیوهای «کالم» و «بیوگراف» ، «لوپین» و «ادیسون» از بین رفتند .

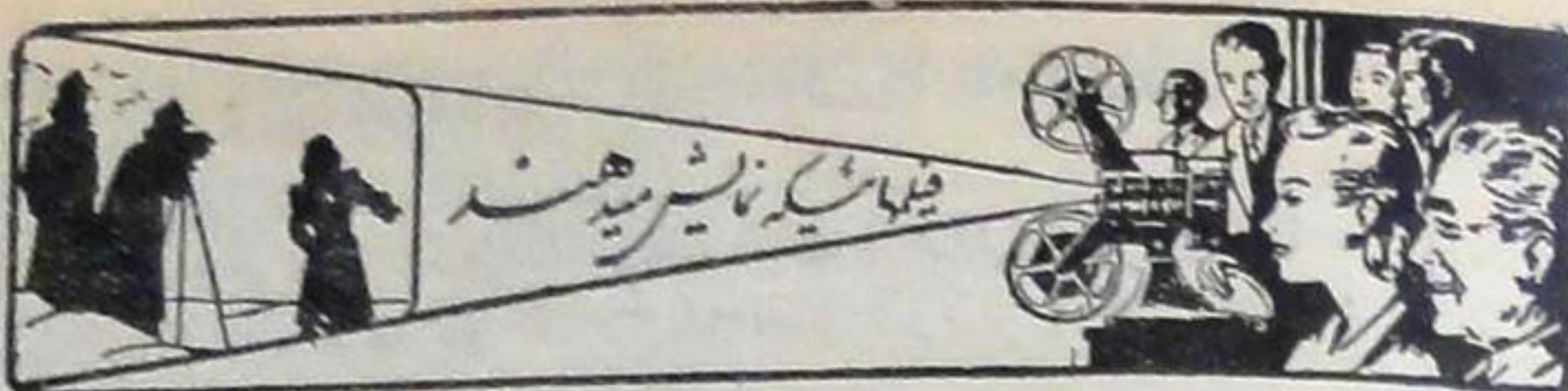
(استوارت بلاکتون) در استودیوی (ویتاگراف) فیلم (زندگی حضرت موسی) را تهیه نمود که طول آن از همه فیلمهای آنوقت زیادتر بود . و در همین وقت (جنرال فیلم) برای آنکه عقب نمانده باشد فیلمهای طولی بیازداد .

(زیگموند لوپین) در فیلا دلفیا استودیو-های متعددی ساخت و یکسری فیلمهای سندی از روی زندگی حیوانات تهیه نمود و بزرگترین مثنو آنسن و هنرپیشه این استودیو (رومن فیلدینگ) بود ، و بعدها هنرپیشگان دیگری با استخدام این استودیو-در آمدند .

در سال ۱۹۰۹ بود که رئیس تبلیغات استودیو ویتاگراف تصمیم گرفت نام هنر-پیشه گانی را که تا آنوقت مجهول بودند و با نام مستعار روی پرده میآمدند منتشر سازد ، نخست (مسوریس کاستلو) و (فلورانس ترنر) و دختر بچه کوچکی بنام (آدل دولا کارد) را معرفی نمود .

(کارل لمل) در خیابان ۱۱ استودیوی کوچکی اجاره کرد و آنرا (آکتوفون) نامید و فیلم (هایاواتا) را در همانجا تهیه نمود .

در این وقت یک تاجر بنام (بی) ویک ناشر و (آدان کسل) و (چارلز بومان) سرمایه های خود را روی هم گذاشته و (فرد بلاشفر) شرکت کردند تا در صحرای «بروکلین» فیلمی تهیه نمایند . این فیلم (شرافت پسر از ارت محروم شده) نام داشت . و بازیکنان این فیلم بترتیب سه نفر از شرکاه بودند که رلهای عمده را داشتند و با همین فیلم استودیو و شرکت (بیزون) تأسیس یافت .



«چهار راه حوادث»

بازیکنان: ملک مطیعی - آرمان - قهرمانی - مورین - کارگردان: سامول خاچیکیان - محصول دیانا فیلم «چهار راه حوادث» هفتمین محصول استودیوی «دیانا فیلم» بعنوان هدیه نو- روز سال ۱۳۳۴ در چند سینما مدتیست بمعرض نمایش گذارده شده است. استودیوی «دیانا فیلم» تهیه کننده این فیلم برخلاف همکارانش سعی میکند تا آنجا که امکان دارد محصول کم و لی با دقت زیاد تهیه نماید بطوری که اگر «کلنساء» اولین محصول این استودیو را با چهار راه حوادث مقایسه نمایم تفاوت فاحشی بین آنها خواهیم یافت و در طی این مدت سعی شده تا آنجا که شرایط اجازه می دهد در رفع نواقص محصولات خود بکوشد. چهار راه حوادث همانطور که انتظار میرفت مورد استقبال مردم هنردوست ایران واقع گردید و گو- اینکه با ۵۹۰ فیلم فارسی که تا کنون در ایران تهیه شده و بمعرض نمایش در آمده اند اختلاف زیادی دارد ولی این امر مانع از این نخواهد بود که آنرا یک فیلم عالی و بدون نقص بدانیم. «چهار راه حوادث» ایراد و نواقص چندی دارد، که تهیه کنندگان آنهم به این موضوع اذعان دارند بعضی از این ایرادات بواسطه نقص وسائل و قسمتی دیگر بر اثر اشکالاتی بوده که خوانندگان گرامی از آن بی خبرند ولی آنچه که مسلمست کارگردان و تهیه کننده این فیلم تا سر حد امکان سعی و کوشش خود را بکار برده اند تا فیلمی بدون نقص بهم میهنان خودشان تقدیم دارند. سناریوی فیلم «چهار راه حوادث» بوسیله

چون بواسطه ازدیاد مشغله و کسالت دیگر نمیتوانم در تنظیم و انشاء مجله ستاره سینما سه می داشته باشم لذا استغفای خود را از سردبیری این مجله اعلام کرده و پیشرفت و کامرانی کلیه دوستان و همکارانم که در این مدت یکسال بنده را رهین کمک و مساعدت های خود کرده اند، از خداوند متعال خواستارم.
کاظم اسماعیلی

سامول خاچیکیان نوشته شده و گویا برای تنظیم «دیالوک» در کیسیونی تحت مدافه قرار گرفته است ولی متأسفانه باید گفت که این کیسیون کارمینی انجام نداده است زیرا اکثر دیالوکها طولانی و بی سروت و نصیحت وار بوده و توسط هنر پیشگان دکلامه میشود اما نکته مهم صدا برداری این فیلم می باشد زیرا اگر خوانندگان متوجه شده باشند اشخاصی بجای هنر پیشگان صحبت کرده اند که هیچگونه تناسبی با شخصیت آنها نداشته اند مثلاً چند نفر با صداهای مختلف بجای «نادرخان» صحبت کرده اند که بایستی در فیلمهای بعدی استودیو این موضوع رعایت گردد. فیلمبرداری این فیلم را دو نفر یعنی آقایان «ژرژ» و «واهاک» انجام داده اند اما باید گفت که در این مورد دقت زیادی بکار نرفته مخصوصاً در مورد چاپ آن لازم بود دقت بیشتری بکار برده شود. مونتاژ این فیلم را که «سامول خاچیکیان» انجام داده ماهرانه بوده و میتوان گفت که کمک بسیار بزرگی در موفقیت این فیلم نموده است درباره هنر پیشگان گویانکه شاید بواسطه اشکالاتی در ترتیب آنها زیاد مطالعه بعمل نیامده معیناً نمیتوان منکر بازی خوب «آرمان» در نقش سلیم و «مورین» و «کیانی» گردید اما موقعی آرمان از کادر خارج میشود که تماشاچی انتظار

آنرا ندارد و تسلیم وی بدست پنجه عدالت تا اندازه ای برای تماشاچیان نامفهوم است. بازی ناصر ملک مطیعی در این فیلم نسبت بفیلمهای سابقش تا اندازه ای پیشرفت کرده و وی با قهرمانی که سیمای جدید سینمای ایران است و برای اولین بار در این فیلم ظاهر میشود دل خود را تقریباً درک کرده و است. موزیک متن این فیلم از صفحات کلاسیک و فیلمهای خارجی اقتباس گردیده و برعکس بقیه فیلمهای فارسی حتی القدر از آنها بجا استفاده شده است. آوازه های ایرانی این فیلم مخصوصاً آوازی که در کارخانه خواننده میشود علاوه بر این که خواننده اش معلوم نیست زائد بنظر میرسد. صحنه بیورد شای «مهرویان» بقدر زیاد از ارزش این فیلم کاسته است و اگر تهیه کنندگان این فیلم خیال میکنند با این قبیل صحنه ها میتوان تماشاچی را بسینما جلب کرد کاملاً در اشتباهند. در قسمت آخر فیلم معلوم نیست چگونه «ناهید» از وجود «فرید» در بیمارستان اطلاع پیدا میکند که با آنجا میرود. علاوه بر این مطابق معمول «ناهید» بایستی باغوش «فرید» پناه ببرد و اصولاً برخورد این دو نفر بعد از مرگ هم اثر فیلم را در تماشاچی از بین میبرد.

کارگردانی «چهار راه حوادث» را «سامول خاچیکیان» انجام داده و می توان گفت که کاروی تا آنجائی که برای او امکان داشته بطرز جالبی انجام گرفته و امید است در فیلمهای بعدی وی بتواند نواقص جزئی کار خود را رفع نماید. «چهار راه حوادث» با اینکه فاقد آریزه کلابهای یک فیلم خوبست ولی تهیه آن نویدی برای پیشرفت سینمای ملی ما میباشد و از نقطه نظر تشویق این فیلم فارسی را حتماً باید دید. (۱-م)



«آرمان» در صحنه حساسی از فیلم «چهار راه حوادث»

از اینجا با بدایت FROM HERE TO ETERNITY

هنرپیشگان: برت لنکستر (میلتون واردن) - مونگامری کلیفت (رابرت پرویت) -
دیورا کار (کارن) - فرانک سیناترا (آنجلوماگیو) - دونارید (فلوریز) کارگردان:
فردزینمان - محصول کمپانی کلمبیا

ترجمه: بهرام ری پور

- يك دو... يك دو... ..

در حیاط وسیع سربازخانه بندر «پرل هاربور» چهار دسته از گروهان مسلح ارتش آمریکا مشغول تمرین بودند تمام سربازان در حالیکه تفنگهای خود را روی شانه راست قرار داده بودند، با کامهای شمرده و منظم بفرمان سر گروهان حرکت می کردند... لباسهای تابستانی و همرنگشان جلب توجه میکرد...

سال ۱۹۴۱ شروع شده بود... این دسته از سربازان که مدافعین جزیره هاوایی بشمار میرفتند، دستورا کید برای آمادگی در مقابل حملات احتمالی نیروهای ژاپن از مرکز دریافت داشته بودند، گروهان مزبور دفاع از بندر «پرل هاربور» واقع در اقیانوس آرام را نیز بعهده داشت...

گروهان فرمان ایست و سپس راحت باش داد... صف منظم سربازان بهم خورد، یکی از سربازان وقتی فرمان راحت باش صادر شد با عجله بطرف سرباز غیر مسلحی که در يك گوشه ایستاده بود روان شد... وقتی آنها مقابل یکدیگر

رسیدند با شغف و مسرت بازوان خود را گشوده و یکدیگر را در آغوش کشیدند. سربازی که مسلح بود گفت:

- پرویت... چطور شد که با اینجا آمدمی... مگر تو در قلعه «چپتر» خدمت نمی کردی؟

- من خودم تقاضا کردم که مرا با اینجا منتقل کنند، نام مرا جزو اسامی سربازان گروهان دوم نوشته اند.

ما کیو با چهره پر مسرتی گفت:

- پس باین ترتیب تو داخل گروهان ماشده ای، من خبر ورود تو را با اطلاع سر گروهان خواهم رساند.

- راستی می خواستم بپرسم گروهان شما کیست؟

- او را «واردن» می نامند، وی

شخصی جدی و نسبتاً خشن است.

در این موقع فرمان آماده باش داده شد و سربازان هر يك بصوف خود مراجعت کردند. کاپیتان هولمس بصف منظم سربازان نزدیک شد و گفت:

- سرباز جدید جلو بیاید. پرویت

نزدیک شد و آنگاه کاپیتان ادامه داد:

- در محل سابق طرز کاوشما چطور بوده است و بچه دلیل تقاضای انتقال باین مکان را نموده اید؟ پرویت پس از يك لحظه درنگ گفت:

قبل از این که تقاضای انتقال باین مکان را بکنم در محلی که خدمت میکردم دو سال تمام اولین شیپورچی گروهان بشمار می رفتم... پس اتمام این مدت می بایستی مرا بسرجوخگی ارتقاء دهند ولی بعوض من يك شیپورچی جدید را که فقط پانزده روز بود باین کار اشتغال داشت و تنها بخاطر اینکه مشقت زن خوبی بود باین مقام برگزیدند.

- من بلیاقت شما اطمینان دارم و در ضمن این را هم باید بگویم که از افراد خیره سر بدم می آید. آنگاه کاپیتان بالحن ملایمی افزود:

- امیدوارم در اینجا شما بسرجوخگی و بالاتر از آن نیز ارتقاء یابید و من شما را بامیل بگروهان خود خواهم پذیرفت ولی تا وقتی که من مشقت زنی شما را در حضور سربازان ندیده ام از پوشیدن اونIFORM خود داری خواهید کرد... سربازان من



گروهان واردن (پرویت) را بگوشه ای برده و از او پرسید...

گروهان واردن هر شب باتفاق (کارن) بکنار ساحل میرفتند



همه باید مشت زنه‌های قابلی باشند.
 پرویت سرش را بعلامت نفی تکان داد و گفت :
 - خیلی متأسفم از اینکه ناچارم پیشنهاد شما را رد کنم ... برای اینکه من مدت‌ها است مشت زنی را ترک کرده‌ام.
 - پس باین ترتیب شما از اینکار امتناع میکنید ؟
 - آری ... از وقتی که در یک مسابقه حریف من چشمان خود را از دست داد و کور شد تصمیم گرفته‌ام برای همیشه از این عمل وحشیانه اجتناب کنم .
 - ولی وقتی انسان دستکش بوکس را بدست می‌کند ، باید قبلاً فکر همه چیز را کرده باشد ... شما که واقعا قصد نداشتید حریف خود را نابینا سازید و انگهی خیلی‌ها بایک ضربه دیگر از جا بر نغاسته‌اند ...
 - خیلی متأسفم کاپیتن ... تصمیم من قطعی است !

کاپیتن با خشم گفت :

- بسیار خوب ... خواهیم دید ! و سپس

دور شد .

پس از رفتن کاپیتن سرگروه‌بان واردن دستپایش را دوستانه روی شانه پرویت گذارد و با آرامی گفت :

- کاپیتن فوق‌العاده به پیروزی مشت زنه‌های گروهان علاقمند است و میل دارد همیشه تیم بوکس گروهان او بر سایر تیمها برتری داشته باشد ... خواهش میکنم تقاضای او را رد نکنید و مطابق میل او رفتار ننمایید ... وقتی که کارها مطابق میل کاپیتن باشد، من راحت خواهم بود و وقتی که من راحت باشم با آرامش خاطر بکارهایم می‌روم .

چند لحظه بعد سرگروه‌بان واردن پرویت را بجایگاه مخصوص لباس پایگاه راهنمایی کرد ، نزدیک جایگاه لباس دری باز شد و یک زن جوان روی آستانه در ظاهر گشت و بابتسمی به واردن گفت .

- واردن ... آیا اطلاع دارید شوهر من کجا رفته است ؟

- کاپیتن برای انجام کارهای اداری بشهر رفته است .

- من هم اینطور فکر می‌کردم ...

- بامن کاری داشتید ؟

- نه متشکرم ...

زن جوان با جواب نفی خود ، لبخند شیرینی را نیز توأم ساخت ... همسر کاپیتن سپس دور شد ... نگاه سرگروه‌بان واردن با علاقمندی او را بدرقه می‌کرد ،

پس از اتمام کار ، ماکيو و پرویت ، دو دوست قدیمی مشغول تفریح و صحبت

کاپیتن اصرار داشت که «پرویت» در مسابقه مشت زنی شرکت کند

شدند ، از سالن مجاور صدای فریاد و

از صف خارج شوید .

پرویت از صف خارج شد و جلو آمد . گروه‌بان دون که فرصت را برای اجرای مقصود خود مناسب میدید ، اخم‌هایش را در هم کشید و گفت :

- آماده ... قدم رو ... درست قدم بر

دارید ... بچپ چپ ... ایست ... بر است

راست ... زانوبزنید ... بلند شوید ! این

حرکت را تکرار کنید ! در حقیقت گروه‌بان

دون با فرمانهای بی دری خود ، از

جوابهای منفی پرویت و امتناع او از مشت-

زنی انتقام میکشید ، وقتی گروه‌بان خوب

پرویت را خسته کرد تفنگش را گرفت و

پس از یک معاینه از تمیز نبودن آن اظهار

عدم رضایت کرد .

سرگروه‌بان در دفتر خود مشغول

کار بود که کاپیتن با عجله وارد شد و

گفت .

- واردن ... من امشب کار مهمی را

باید انجام بدهم ... خواهش می‌کنم در

غیاب من مراقب کارهای گروهان باشید

من بشما اطمینان دارم خیلی متشکر

خواهم شد .

مطمئن باشید کاپیتن . کاپیتن

«هواس» خارج شد . چند دقیقه بعد وقتی

واردن دفتر خود را ترک گفت باران شدت

می‌بارید . واردن با عجله بطرف خانه

کاپیتن برای افتاد ... یک لحظه مد مقابل

درخانه ایستاده و رنگ را فشار داد ...

همسر کاپیتن در را باز کرد و گفت ...

تا تمام

برداشته و نفس راحت میکشند. ری میلاند.
عجب! . . . فرزند شما چه میزند؟ باب هوب:
سوت کارخانه را!

ضعف میکروب!

روزی محزون در سلامانی پرسید:
آقا چرا شما تیغها را ضد عفونی نمیکنید؟
سلامانی: احتیاج ندارد. چون من
آنقدر تیغ را محکم روی چرم میکشم که
همه میکروبها کشته میشوند!



از حقه‌های جدید گارسونهای سینما
برای فروش «ساندویچ!» در موقع
نمایش فیلم!

در تئاتر

روزی مجید محسنی هنرمند محبوب
باتفاق همسرش به تئاتر رفته بودند خانم
محسنی از مجید پرسید: راستی مگر از
سخنان شیرین (تفکری) که همه را بخنداند
انداخته است لذتی بتو دست نداده است؟
مجید محسنی: چرا؟ ولی چون از
او متنفرم! در خانه خواهم خندید!

اسب نر!

(دبورا کار) ستاره زیبا که اکنون در
انگلستان میباشد روزی بتماشای باغ وحش
لندن رفته بود از نگهبان پرسید: این
اسب آبی نر است یا ماده؟
نگهبان جواب داد: خانم گمان
نمی‌کنم دانستن این موضوع برای شما
فایده داشته باشد زیرا فقط یک اسب آبی
دیگر ممکن است بدانستن آن علاقه
داشته باشد!

باز هم ازدواج
هالیوودی!

هنرپیشه معروفی با یک ستاره
سینما ازدواج کرد. پس از سه ماه
طفلی متولد شد یکی از رفقای
متعجبانه باو گفت: چطور باین
زودی زوجهات زائید و طفل نه ماهه،
سه ماهه متولد شد. هنرپیشه مزبور
جواب داد: تقصیر طفل نیست که
زود بدنیا آمد بلکه تقصیر من است
که دیر داماد شدم!

مضحک قلمی!

نامزد کرده بود رو بر فیش (دین مارتین)
کرده گفت: نامزد جدیدا من با بزرگترین
خانواده‌های این شهر مربوط است.
دین مارتین با کمال تعجب پرسید -
حقیقت میفرمائید؟
جری لوئیز با لبخند تمسخر آمیزی
گفت: البته . . . نامزدم تلفونچی
است!

حساب!

(بود آبت) و (او کاستلو)
با هم گفتگو می‌نمودند.
(بود آبت) گفت: لو! اگر
من یک متر پارچه از یک مغازه
و دو متر از مغازه دیگر و پنج متر
از مغازه سومی بردارم رویهم رفته
چه خواهم داشت؟
لو کاستلو بلا درنگ جواب داد
قطمادو ماه زندان!

هست!

یکی از ستاره‌های زیبای ایتالیارا
پلیس بجهت بد مستی او جلب و بکلانتری
برد. سر کلانتر از او پرسید اسم شما
چیست؟
ستاره مزبور جواب داد: خانم التونورا -
روسی در اگو، سر کلانتر گفت: شما آزاد
هستید. زیرا اگر مست بودید هرگز اسم
باین درازی یادتان نمی‌ماند!

موسیقیدان!

ری میلاند: فرزند من آلات موسیقی را
خوب مینوازه و وقت ویلون بدست بگیرد
همه با شادی باو مینگرند.
باب هوب: فرزند من وقتی میزند
هزاران نفر از شغل و کار خود دست



هنگامیکه یک کارگردان زن، فیلم «سندی»!
تهیه میکند!

هنرمندان اینطرف پرده سینما
سرگذشت آن دو نفری است که
وارد سینما شدند و پالتوهایشان را روی
صندلی مجاور خود گذاشتند و نشستند.
پس از چند دقیقه اولی پرسید:
- چرا رویت را با آنطرف بر گردانده
ای و بفیلم توجهی نداری؟
دومی: چیزی نیست. پالتوی خودم نگاه
می‌کنم که کسی آنرا نبرد. مال ترا تقریباً
ده دقیقه پیش بکنفر پوشید و رفت!



از شیرین کاریهای آپاراتچی سینما!

یکی از فیلمهای بنجل مصری را نشان
میدادند و مدیر سینما هم در سالن قدم
میزد تا اثر فیلم را در مردم مطالعه فرماید.
تماشاچیان سراپا گوش بودند و «فیلم هنری»
در عمق روح آنها تأثیر کرده بود فقط
صدای یکی از این مردم هنر نا شناس
دم بدم چرت تماشاچیان را پاره میکرد.
مدیر سینما جلورفت و گفت:
- آقا خواهش می‌کنم قدری آهسته
تر بخوانید.

- اختیار دارید. بنده اصلاً سواد
ندارم. . . این صدای خمیازه بنده است.

از دواج هالیوودی!

هنرپیشه زن به شوهرش: فردا که
من مردم تو قدر مرا خواهی فهمید. باید
بگردی تا زنی مثل من پیدا کنی.
شوهر: کی بتو گفت که میخواهم
زنی مثل تو پیدا کنم مگر دختر در
دنیا قحط است!

دزدی!

روزی دانی کی بخانه شخص
تروتمندی رفته و بعد از سلام گفت:
آقای محترم بنده لنگه دستکش
شمارا پیدا کرده‌ام!
مرد جواب داد: خیلی متشکرم
چه خدمتی میتوانم بشما بکنم؟
دانی کی فوراً گفت: هیچ،
لنگه دیگر آنرا مرحمت کنید.

نامزد معروف!

جری لوئیز، که بتازگی

مختصری راجع به ...

(بقیه از صفحه ۱۰)

فیلمهای عشقی (نامه) و (مغربی) و فیلمهای قهرمانی (مفیس بل) و فیلمهای کمدی و خنده آور (سیوبو کر) و (رنک پریده) خاطره خوشی در ذهن مردم باقی گذاردند و بعلاوه فیلمهای اجتماعی و اخلاقی نظیر (بامرک و زندگی) و (وارنه) و بالاخره در همین چندماهه اخیر فیلم (مکانی در آفتاب) از بدو پیدایش سینمای ناطق تا امروز در استودیوی (پارامونت) تهیه گردیدند.

هنرپیشگان مشهور

کارکنان کارخانه « پارامونت » هنگامیکه اولین بار در امریکا شروع بکار نمودند بواسطه احتیاج و علاقه مردم نسبت بکلیه فیلمها، هنرپیشگان معروفی چون (امیل یانینکس) و (ریچارد دیکس) و (هلن هایز) و (آلن هیل) را استخدام نموده و در فیلمهای کوتاه و صامت آنها را هرکت دادند.

این استودیو علاوه بر پیشرفت صنعت سینما باعث پیدایش ستارگان و هنرپیشگان هنرمند و مشهوری چون لیزابت اسکات و ورن استرلینک و ویلیام بندیکس و الینور پارکر و روندا فلمینگ و جون فوتین و کورین کالوت و بنیک کرازی و روزمری کلونی و پولت کدارد و آلن لدو جری لوئیز و دین مارتین و ری میلاند و اودری هپورن و وان هفلین و باب هوب و بتی هوتن و چارلتون هستون و ویلیام هولدن و وندل کوری و آلن یانک و ماریون مارشال و ویلیام دیمارست و مری مورفی و ماگی مک نامارا و عده زیاد دیگری نیز گردید.

تهیه کنندگان و کارگردانان مستقل

ویلیام وایلر، بیلی وایلدر، سیل ب. دومیل، هال والیس، دانیل مان، چارلز ویدور، جورج مارشال، جورج استیونس، ملوین فرانک، ادوارد لودنیک، لوئیز فوستر، هال واکر، پل جونز، ویلیام توماس، نرمان باناما.

فیلمهای جدید

سابرینا (اودری هپورن و ویلیام هولدن) کریسس سفید (دنی کی و بینک کرازی) پنجره عقبی (جیمز استوارت و کریس کلی) پلهای تو کوری (ویلیام هولدن و کریس کلی) فرماندهی ستاد هوایی (جیمز استوارت و جون آلیسون) علامت دود (چارلتون هستون و دانا آندروز) ضربه بچوب (دنی کی و می بترز لینک) شیاطین دوست داشتنی (ویلیام هولدن و دبورا کار) سیرک سه حلقه ای (دین مارتین و جوی لوئیز) لوسی کالات (جین وایمن و چارلتون

رپورتاژ اولین فستیوال

(بقیه از صفحه ۹)

و همانطور که در اول بعرض رساندم باز هم میگویم در انجام کار پر مسئولیت و مقدسی که بعهده گرفته اید مصمم و پایدار بوده و واهمه و ترسی نداشته باشید و مطمئن باشید که نیروی همه ما پشتیبان شماست و بدین ترتیب جشن گلریزان کنگره سینمایی ایران تا شروع جشن اعلام نتیجه پایان یافت.

اعلام خطر ...

(بقیه از صفحه ۴)

برای مدارس و انجمن های فرهنگی مورد استفاده قرار میگیرد.

(۴) هر سینمایی باید دست کم ۲ فیلم ایرانی در سال نمایش بدهد.

(۵) سینماها باید در عوض ۵ درصد درآمد ۶۰ درصد درآمد خود را برای نمایش فیلمهای ایرانی بدهند.

(۶) بلیطهای سینما باید به قیمتهای قبلی تنزل داده شود تا سینما روندگان استطاعت خرید آنها داشته باشند.

مسائل فوق از همه جنبه ای شایان توجه میباشد و امید است که مجلس این موضوع را در دستور اولین جلسه خود قرار دهد تا روی آن تصمیم قطعی اتخاذ شود و این تصمیم بدون شك ارزش تاریخی خواهد داشت که نتیجه آن چند سال بعد معلوم خواهد شد. چنانچه هر آینه باین امر توجهی نشود شرکت های فیلمبرداری یکی پس از دیگری شروع به تعطیل خواهند نمود که هم اکنون آنها آن هویداست و طولی نخواهد کشید که تهیه فیلم فارسی بکلی متروک خواهد شد.

هستون) در جستجوی پناهگاه (جیمز کاکنی و ویو کالیند فورس) روز تاتو (برت لنکستر و آنا مالیانی) ده فرمان (چارلتون هستون و آن باکستر) مقلد دربار (دنی کی و گلینیس جونز).

فیلمهای این استودیو سابقا بقدر کمی در سینما ایران نمایش داده میشد ولی قرار است سینماهای هما و رویال که بتازگی قرارداد هائی منعقد نموده اند محصولات خوب و جدید آنها بعرض تماشا بگذارند.

حقایقی که برای اولین

(بقیه از صفحه ۱۳)

و تا نیا چنانچه فیلم از اعلاذ بگری خوبو جالب باشد تماشاچیان بغاظر همین «هنر پیشگان» از فیلم روی میگردانند!

گذر و مد اعمال!

در ظرف سال گذشته عده ای هنرپیشه جدید بسینمای ایران راه یافتند و در مقابل آنها عده ای از هنرپیشگان سابق شهرت خود را از دست دادند و با اینکه بکلی از کادر سینما بیرون رفتند در میان آنها قرح پناهی شهرت بی نظیری در سراسر کشور بدست آورد و با اینکه تا سال گذشته بکلی گمنام بود معذاتوانست با بازی در دو فیلم «دختری از شیراز» و «ماجرای زندگی» پیشرفت قابل توجهی نائل آید. سال گذشته وی توانست لقب «محبوبترین هنر پیشه ایرانی» را بدست آورد و بجروی همین دیبیم با اینکه در «فران دوام» یکی از مجلات، درجه پنجم را بدست آورد ولی از نقطه نظر بازی مخصوصا در فیلم پایان رنجها بواسطه بازی خوب، کلیه رقبای خود را شکست داد و بر همه پیروز شد. خانم آزاده که آتیه درخشانی در پیش دارد با بازی در فیلم «پایان رنجها» موفقیت زیادی کسب نمود و در ردیف هنرپیشگان زن، وتبه خوبی را بدست آورد ولی در مقابل آدین بواسطه بازی در فیلمهای (قلقلی) و (راهزن) از کادر فیلمهای ایرانی خارج شد. در میان هنرپیشه های مرد، آرمان و مهدوی موفقیت زیادی کسب کردند و مخصوصا مهدوی با اینکه فقط فیلم (شبهای تهران) را از او تا کنون نمایش داده اند ولی با همین يك فیلم شهرت زیادی کسب کرده است و علاوه بر بازی در فیلمهای (دزد بندر) و (غروب عشق) اخیرا قراردادای با یکی از کارخانه های مصری منعقد نموده تا با (فاتن حمامه) هنرپیشه زیبای مصری در يك فیلم مصری شرکت نماید. آرمان نیز با وجود این که در فیلمهای (بازگشت) و (دختری از شیراز) رلهای عده ای را ایفا کرد معینا بازی خوب او در نقش سلیم در فیلم «چهار راه حوادث» موفقیت زیادی نصیب او کرد. منوچهر زمانی نیز با بازی در فیلم (پایان رنجها) در ردیف هنرپیشگان خوب مسرد قرار گرفت و با استعدادی که در او سراغ داریم آتیه خوبی را در آینده بعنوان يك هنرپیشه مرد ایرانی بدست خواهد آورد.

دومین فستیوال

جریان مشروع فستیوال بزرگ فیلمهای خارجی کنگره سینمایی ایران که با همکاری سینما کریستال از هفت آینه در سینمای مزبور برگزار خواهد شد در شماره آینده اعلام خواهد گردید.

روبرت اکهارت



اخیراً کشور انگلستان از لحاظ تهیه فیلم، قدمهای مثبتی برداشته و در مقابل ترقی صنعت سینمای آمریکا و ایتالیا که مرتباً بجلو میروند اظهار عجز ننموده و بتجدید نظر در تهیه فیلمها پرداخته است بقسمی که اکنون محصولات جدیدی بیازار عرضه مینماید که از هر لحاظ بسا فیلمهای ساخت کشورهای فوق برابری می کند. صنعت سینمای انگلستان از دیر باز در میان محصولات کشور های مختلف جلب نظر نموده و فیلمهایی از قبیل (یتیم) (بی بی پیک) هنوز از خاطره مردم دنیا فراموش نشده است. در ایران نیز چون سینماهای تهران اخیراً از محصولات خوب سینمای انگلستان فیلمهایی وارد کرده و به عرض نمایش می گذارند فیلمهای انگلیسی طرفداران زیادی پیدا نموده است.

فیلمی که در این هفته بخوانند کسان گرامی معرفی می شود (پایان یک حادثه) نام دارد که در ماه گذشته تهیه آن پایان رسیده و توسط کمپانی کلمبیا در آمریکا به عرض نمایش گذاشته شده است.

کارگردان فیلم (ادوارد دیمیتریک) می باشد که آنرا در استودیوی انگلیسی (لندن فیلم) تهیه کرده است. مدتها بود

که تهیه کننده بدنبال هنرپیشگانی می

«موریک» در یک شب نشینی عاشق «سارا» میشود

گشت که تیب شخصیت های فیلم را از تمام لحاظ دارا باشند تا اینکه پس از دیدن کشت که تیب شخصیت های فیلم را از تمام لحاظ دارا باشند تا اینکه پس از دیدن فیلم را مطالعه کرده بود قبولی خود را اعلام و در اولین فرصت بصوب انگلستان حرکت کرد.

پایان یک حادثه

THE END OF THE AFFAIR

یک فیلم درام اجتماعی که از مقاومت یک زن شوهر دار در مقابل یک عشق سوزان و بی حاصل حکایت می نماید

وان جانسون از هنرپیشگان قدیمی سینما

میباشد و تا سال ۱۹۴۵ شهرت بی مانندی پیدا کرده بود ولی از آنسال بیعده کم کم از معروفیتش کاسته شد بطوری که در سال ۱۹۵۱ رلهای دوم و سوم را در فیلمها ایفا مینمود و از جمله می توان فیلم (ماجرای کشتی پلیموت) را نام برد که در سال ۱۹۵۲ توسط کمپانی مترو گلدوین مایر با شرکت (اسپنسر تراسی) و (جین تیرنی) تهیه شده بود. ولی بعد از شرکت در فیلم (شورش دو کشتی کین) دوباره شهرت از دست رفته را بازیافت و در این فیلم در رل عاشق (دبورا کار) هنرنامه ای کرده است. ستاره زن این فیلم (دبورا کار) می باشد که اصلاً انگلیسی است و در سابق در فیلمهای ساخت انگلستان شرکت می کرد ولی در سال ۱۹۵۰ توسط کمپانی مترو گلدوین مایر دعوت شد و در فیلمهای مشهوری چون (هوسهای امپراطور)، (زندانی زندان) و (بس جوان) شرکت نمود. داستان فیلم را (گراهام گرین) نویسنده معروف انگلیسی نوشته و شخصاً بصورت سناریو در آورده است. سایر هنرپیشگان فیلم عبارتند از (بقیه در صفحه ۲۶)



«هنری» پس از اطلاع از رابطه زنش با «موریک» او را از اینکار منع مینماید

آقای روبرت آبراهامیان

۱- هنرپیشه مرد قلم (در راه آرژانتین) (دون آمج) نام داشت ۲- نام پسر دو کلاس فرینکس هم (دو کلاس فرینکس پسر) میباشد. ۳- هنرپیشگان فیلم (برای که زنکها پصد) در می آید) نیز عبارت بودند از کاری- کوپر- اینگرید برگمن- آکیم تامیروف.

آقای م. خطیر

۱- ماهم مثل شما به (کرک دو کلاس) و (دانی کی) احترام می گذاریم و البته عکس آنها را نیز فراموش نخواهیم کرد ۲- شماره ۲۶ هم اولین شماره سال دوم مجله محسوب میشود.

آقای هوشنگ شمس

ملک مطیعی سر باز وظیفه نیست و به سلامتی تا چند ماه دیگر بعنوان افسر ارتش خدمت خود را بی پایان خواهد رسانید و بنا بر این تصدیق می فرمائید که گذاشتن موی بلند برای یک افسر مانعی نخواهد داشت.

آقای خداداد طلوعی - اهواز

۱- فیلم (خرقه) امریکائی و فیلم (شنل) ایتالیائی است و بنا بر این اشتباه شما حاکی از یک سوء تفاهم است ۲- نام

فیلمها یا بنام داستان اصلی یا با دادن تفسیراتی بمیل تهیه کننده انتخاب میشود.

آقای کاظم مهرناوی - اهواز

۱- هنرپیشه فیلم هندی (اسکندر) مدتی است به ازنشسته شده و بهمین جهت تقاضا کرده از افشای نامش خودداری کنیم ۲- عکس و شرح حال (ویتوریو گاسمن) را در شماره های گذشته نوشته ایم ۳- شرایط ورود بهنرستان هنرپیشگی را در شماره آینده در طسی رپورتاژی بعرض شما خواهیم رساند.

آقای کاظم مهر بان

بخاطر شما از استودیوی تهیه کننده فیلم «فرشته صحرا» خواستیم که نام ندیده «دختر» فیلم فوق الذکر را برای ما بنویسد و در ضمن بگوید که خودش در این فیلم آواز خوانده و یادگیری خواننده و فقط لبش را تکان داده است.

آقای رضا ماهیگیر

از اینکه عکس زیبایی خودتان را همراه تبریک عید برای ما فرستاده اید فوق العاده متشکریم و امیدواریم که مجله را روز بروز زیباتر و جامعتر منتشر سازیم

آقای احمد هاشمیان

۱- کارگردان فیلم کجا میروی؟

دوشیزه زهره

۱- در مقابل کریگوری پک را در فیلم «آسان زرد» (آن باکستر) بعهده داشت ۲- بهترین فیلم «تونی کرتیس» نیز (پرنس دزد) می باشد ۳- صحنه نبرد با گاو وحشی نیز در فیلم (کجا میروی) حقیقت دارد ۴- هنرمندترین رقاصه هم در حال حاضر (لودمیلا چرینا) نام دارد.

آقای یداله پناهی

۱- (چارلی چاپلین) نامتها بعد از بوجود آمدن فیلمهای ناطق عقیده داشت تا آنجا که بازی هنرپیشه میتواند موضوع فیلم را بیان کند احتیاجی بعرف زدن نیست ولی طولی نکشید که دست از این عقیده خود برداشت و فیلمهای بعدی او ناطق می باشند ۲- از (سیلوانا پامپانینی) فیلم (اسیران سفید) او در ایران وجود دارد ۳- قسمت انتقاد مجله را نیز بسزودی اضافه خواهیم کرد.

آقای محمد علی اقدامی - مشهد

۱- علت دیر رسیدن مجله بمشهد به کردن پستخانه مبارک است ۲- (سیلوانا منکانو) نیز بخاطر شما دیگر در فیلم



۳- هنرپیشگان فیلم (فریدون بینوا) عبارت بودند از (جینولا اورینی) و (لئونور او فو) ۴- (ناخدای جسور) نیز محصول سال ۱۹۴۰ بود.

آقای هروس عابدیان

۱- شرح حال (مارلون براندو) را در شماره های گذشته نوشته ایم ۲- از (مریلین مونرو) فیلمهای (تنهامسافر قطار) و (الماس شوم) را در ایران نمایش داده اند.

آقای جهان بخش سینائی

۱- هیچ نیروی نباید مانع ابراز شخصیت شما گردد ۲- ضرر و یا منفعت سینما بستگی باین دارد که شما بچه منظوری بسینما میروید ۳- خوش آمدن و یا بد آمدن مردم از فیلمها بستگی بسلیقه و شرایط زمانی و مکانی تماشاچی دارد.

آقای عباس مسیح پور

۱- فیلم (هدیان) محصول ایتالیا، (لو کرس بورژیا) محصول ایتالیا - فرانسه و (اسکروج) محصول انگلستان بود ۲- هنرپیشگان فیلم (سه جوان مرد) بجز (مارک لاورنس) بقیه از بین هنرپیشگان گمنام ایتالیا انتخاب شده بودند.

(لیومک کری) نام داشت ۲- بهای اشتراک مجله ما نیز ۱۵۰ ریال می باشد ۳- فیلم خانه مومی را هم سینما کس بزودی نمایش خواهد داد.

آقای منوچهر شهابی

۱- عکس هنرپیشه ای که برای ما ارسال داشته اید (روندا فلینک) نام دارد و عکس مزبور مربوط بفیلم (مارنیل) می باشد که هنوز بایران نیامده است و در ضمن (روندا) در این فیلم نقش کلثوپا تر را بعهده دارد.

آقای حسن شهر پور مقدم

۱- مگر نمیدانید که در شرح اسلام دانستن نام زن دیگران جزو گناهان کبیره محسوب میشود ۲- تاریخ نمایش (ورا کروژ) نیز با خداست ۳- فیلم (جنگل اسفالت شده) مریلین مونرو را هم بزودی نمایش خواهند داد ۴- کاری کوپر نیز آنقدر مشهور است که شرح حال وی دیگر زائد بنظر میرسد.

آقای نعمت اله پوستین دوز

۱- از تبریک شما متشکریم ۲- کوبا آدرس هنرستان ایشان، سرچشمه باشد

غم ناک بازی نخواهد کرد

آقای علی تهرانی

سامیه جمال بر حسب «مقتضیات» هر روز درجائی بسر میبرد و آدرس فعلی او در دست مانیست که برای شما ارسال داریم!

آقای حسن فارسیان - مشهد

۱- نمیدانیم روی چه اصلی برای شما سوء تفاهم ایجاد شده که (رود کامرون) و «راندلف سکاوت» را برادر یکدیگر خوانده اید ولی در هر صورت این دو هنرپیشه نه تنها برادر نیستند بلکه کوچکترین رابطه ای هم بایکدیگر ندارند ۲- این دیگر سؤال ندارد زیرا واضح است که (ارول فلین) بخاطر (جینالولو بریجیدا) بایتالیا رفته است ۳- فیلم «مصری» را فعلا در کشور امریکا نمایش میدهند ۴- از خانواده «بوت لنکستر» نیز تاکنون عکس دسته جمعی برداشته نشده تا آنرا بشما تقدیم نماییم

آقای ادوارد ساناساریان

۱- شرح حال «رابرت تیلور» را خواهیم نوشت ۲- حریق فیلم کجا میروی؟ حقیقی و بوسیله (ترو کلاژ) برداشته شده است. ۳- (جیمز میسون) از اهالی انگلستان می باشد و امیدواریم موقعی که شرط را بردید قسمت ما را نیز فراموش نفرمائید!

این صحنه مربوط به
کدام فیلم میباشد؟



صحنه ای را که در بالا ملاحظه می فرمائید مربوط به یکی از شاهکارهای عالم سینما میباشد که چندی پیش نیز در تهران نمایش داده شد و با استقبال بی نظیر مردم مواجه گشت. هنرپیشه هنرمند آن نیز بسا ایفای رول یک آوازه خوان افسر شهرت جهانی کسب نمود و اکنون در سراسر دنیا هوا خواهان زیادی دارد. شما نیز حتماً او را میشناسید و فیلم مزبور را نیز مسلماً دیده اید در صورتی که توانستید نام فیلم و هنرپیشگان اول آن را بخاطر بیاورید. همراه با دوریال تمیر باطل نشده برای مسال ارسال دارید تا مانیز در مقابل شش جانه یکماهه مجله بحکم قرعه بشما تقدیم نمایم.

برندگان مسابقه این صحنه مربوط

بکدام فیلم است (شماره ۳۶)

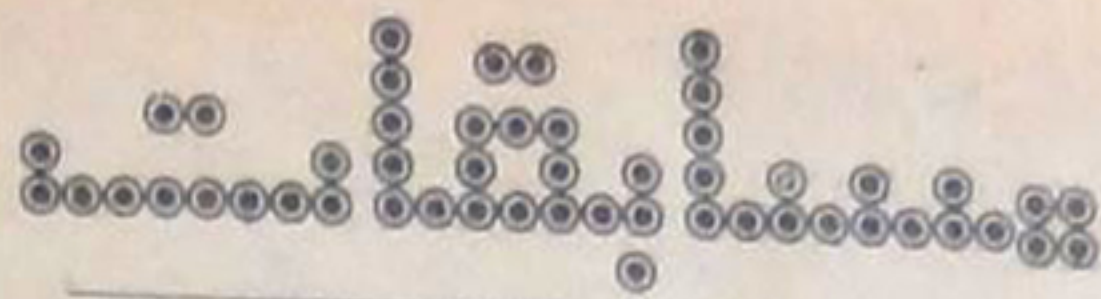
- ۱ - آقای مجید - ودآور (تهران)
- ۲ - منوچهر احمدی (تهران)
- ۳ - حمید قره کزلو (تبریز)
- ۴ - دوشیزه م - رهنوردی (تهران)
- ۵ - دوشیزه همامنصوری (رضایه)
- ۶ - آقای واهان میناسیان (تهران)

پاسخ صحیح: مرد آرام

معلومات سینمایی خود را بیازمائید

- ۱ - کلاگردان فیلم مشهور (طلسم شده) چه نام داشت؟
- ۲ - در فیلم (زندگی دوزخی) کدام هنرپیشگان شرکت داشتند؟
- ۳ - استرو بلیامز در چه سالی متولد شده؟
- ۴ - ویلیام هولدن برای بازی در کدام فیلم جایزه اسکار گرفت؟
- ۵ - سه زوج مشهور سینمایی را نام

ببرید؟



صنعت سینمای کدام کشور را میپسندید و بچه دلیل؟

پاسخ های رسیده بنوبت چاپ خواهد شد و مدت این مسابقه دوازده شماره است.

جواب دوم

ایتالیا

در حال حاضر سینمای ایتالیا مترقی تر از ممالک دیگر میباشد زیرا پیشروان صنعت سینمای ایتالیا راه و روشی را که سینما میتواند بجامعه خدمت کند پیدا نموده و با ابداع سبک نئورئالیزم و نشان دادن حقایق زندگی بزرگترین درس اخلاق و تربیت را به مردم جهان می آموزند. اداره کنندگان سینمای ایتالیا بسا نشان دادن زندگی واقعی مردم، خدمت بزرگی به تعلیم و تربیت جامعه نموده و تا آنجا که توانسته اند از جنبه تجارتنی فیلم صرف نظر کرده و هدفشان بیشتر نشان دادن راه زندگی و رفع عیوب اجتماعی و فردی میباشد. هر چند هالیوود مرکز و پایتخت سینمای دنیا محسوب میگردد ولی اکثر محصولاتش جز فیلمهای مبتذل و تجارتنی چیز دیگری نیست و بندرت آثار برجسته و فراموش نشدنی بوجود می آورد. آیا دیدن یک فیلم تمام رنگی و پر تجمل و سراسر عشق بازی بجز تفریح آبی، اثری در روح انسان میگذارد؟ مسلماً جواب منفی است ولی تماشای فیلمی که حقایق زندگی را بیان کرده و عیوب و انحرافات بشر را بشما بیاند اثری عمیق در روح انسان بجای میگذارد که بشر متفکر، بی اراده، بفکر اصلاح خود و اجتماع می افتد. دلیل قاطع این ادعا گرمی بازار فیلمهای ایتالیایی بسا نشان دادن چند فیلم متوسط در ایران میباشد و اگر روزی فیلمهایی را که بسبب نئورئالیزم در ایتالیا تهیه شده در ایران به معرض نمایش بگذارند، اکثر هموطنان تصدیق خواهند نمود که سینمای ایتالیا بیش از ممالک دیگر در راه پیشرفت تعلیم و تربیت جامعه کام بر داشته و سعی مینماید که حقایق تلخ و شیرین زندگی را بی پروا بیان کند.

مهدی معین پور (تهران)

پاسخ معلومات سینمایی شماره قبل

- ۱ - ویویان لی - کاری کوپر -
- فرد ریک مارچ ۲ - نیک کراوات ۳ -
- الیاکازان ۴ - ولگرد دریا ۵ - پاراموت

شرکت کنندگان در مسابقات توجه نمایند

مسئول صفحه مسابقات مجله «ستاره سینما» از شرکت کنندگان محترم تقاضا دارد برای تسهیل بیشتری در کار مربوطه، نکات زیر را کاملاً مراعات نمایند:

۱ - روی پاکت جمله «دائرة مسابقات» را فراموش نکنند.

۲ - برای هر مسابقه دوریال تمیر باطل نشده در داخل پاکت - نه روی آن - همراه با پاسخ آن بآدرس مجله ارسال دارند.

۳ - پاسخ هر مسابقه سه شماره بعد اعلام خواهد شد.

۴ - هر مسابقه دارای شش جایزه یکماهه «ستاره سینما» میباشد.

ضمناً قوانین فوق در مورد مسابقات دائمی مجله دارای حالت استثنائی است که در زیر همان مسابقه قید شده است.

پایان یک حادثه

(بقیه از صفحه ۲۴)

(جان میلز)، (استیفن موری) و (جوئیس کری) که همه از هنرپیشگان معروف انگلیسی می باشند. مدت نمایش فیلم نیز ۱۰۷ دقیقه می باشد.

داستان فیلم

در یک شب نشینی، موری یک بندریکس (وان جانسون) بازن و شوهر جوانی آشنائی حاصل می کند و در همان ملاقات اول عاشق خانم سارا (دبوراکار) می گردد و سپس این آشنائی دنباله پیدا کرده موریک و سارا مرتباً در خفا همدیگر را ملاقات می نمودند و چون سارا شوهر داشته و از طرفی آینده این عشق را تاریک میدید برای حفظ آبرو و ناموس خود از عشق موریک احتراز جسته و مدتی در خانه بیلاقی خود در خارج شهر لندن مغمفی می شود.

موریک چون سارا را از صمیم قلب دوست داشت توسط یک کار آگاه به محل او اطلاع می یابد ولی ...



پایان رنجها

دومین محصول

رقابت ناپذیر

استودیو

((ایران فیلم))

استودیو ایران فیلم افتخار دارد که دومین محصول تماشائی و بی نظیر خود را بهم میهنان خود هدیه میکند و یقین دارد که با نمایش فیلم «پایان رنجها» اثر رقابت ناپذیر دیگری بروی پرده می آورد. استودیو ایران فیلم همانطور که با تهیه فیلم «ولگرد» تحول بزرگی در صنعت سینمای ایران بوجود آورد با فیلم «پایان رنجها» ثابت خواهد کرد که میتوان برای پیشرفت فرهنگ و هنر، کوششهای تحسین انگیزی بعمل آورد و کار مثبت و پر ارزشی انجام داد.

پایان رنجها، تنها يك اثر ممتاز سینمایی نیست، بلکه هر کس با تماشای این فیلم خواهد دانست که اجتماع ما بر چه مدار میگردد و چگونه باید با سیامکاریها و فسادها و معایب بمبارزه برخاست. فیلم «پایان رنجها» خاطره در شما باقی خواهد گذارد که هرگز آنرا از یاد نخواهید برد.

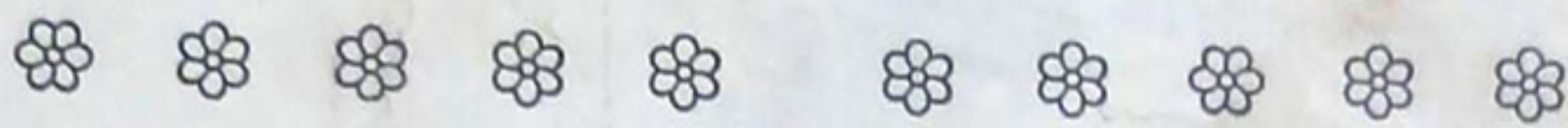
این فیلم جزء پنج فیلمی بود که در فستیوال کنگره سینمایی ایران شرکت نموده و بکسب امتیازاتی نائل آمد



بزودی

بزودی

سینما کریستال - سینما مایاک



نمایش دهنده بهترین فیلمها

بزرگترین و عالی ترین شاهکار

صنعت سینمای شوروی را تقدیم

دوستان سینما مینمایید



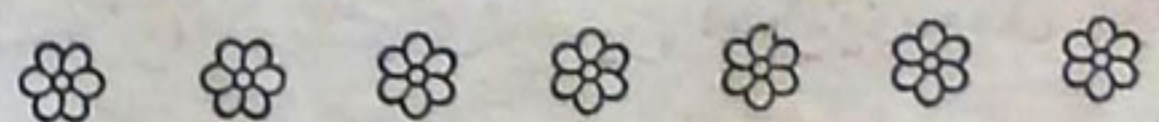
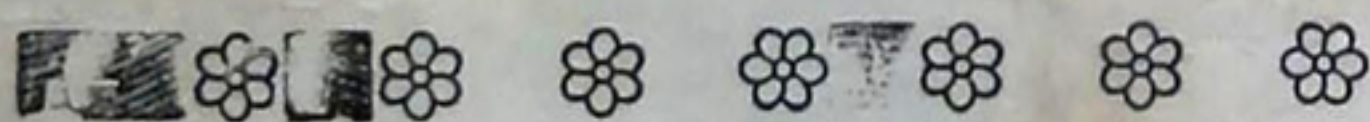
فیلم تمام

رنگی



اسکندر

بیگ



از جمله قوی ترین و بهترین آثار سینمایی

است که در سال ۱۳۳۴ در تهران نمایش

داده خواهد شد

این فیلم در فستیوال کان در سال

۱۹۵۲ موفق بدریافت جایزه شده است